

هشدار امام!

((...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاهی. اسلامی. فرهنگی

سال سی و دوم / شماره ۱۶
شماره مسلسل ۱۴۱۵
نیمه دوم آبان ماه ۱۳۹۰

۲۰۰ تومان

نماینده ولی فقیه در گیلان
و امام جمعه رشت:

عشق، ایمان و ارادت به
ولایت، کشور را بیمه
کرده است



صفحه ۵

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین
دعایی در همایش منشور بیداری:

مشی و منش
امام (ره)



صفحه ۲



دیدگاه استاد سیدهادی خسروشاهی؛

تجلی مفاهیم منشور برادری

صفحه ۶

معرفی
نخستین کتاب
مرجع درباره
امام موسی صدر



صفحه ۸

بزرگداشت علامه
عزیزالله عطاردی
در کتابخانه ملی



صفحه ۸

وزیر ارشاد:

بزرگان گذشته و
حال را شناسایی و
تکریم می کنیم



صفحه ۳

راشدالغنوشی
و تشکیل
دولت شهروندی
در تونس



صفحه ۹

معرفی کتاب

«معنی حدیث الغدير»
تألیف آیت الله سید
مرتضی خسروشاهی



صفحه ۱۲



مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

بسمه تعالی

فراخوان مقاله



مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

بیست و پنجمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی

۱۹-۲۱ بهمن ۱۳۹۰ / ۱۵-۱۷ ربیع الأول ۱۴۳۳

زمان: عصر روز سوم کنفرانس

موضوع: بیداری اسلامی: چشم اندازها

۱- چشم اندازهای آینده:

- بیداری اسلامی و رشد فکری - فرهنگی در جوامع اسلامی.

- بیداری اسلامی و تحقق عدالت.

- بیداری اسلامی و تحقق زمینه های وحدت اسلامی.

- نقش بیداری اسلامی در تعاملات جهانی و تأمین حقوق ملت ها.

۲- پشتیبانی از بیداری اسلامی به منظور تحقق چشم اندازها:

الف) تبیین نقش انقلاب اسلامی در گسترش بیداری اسلامی

ب) تقویت، تعمیق ویژگی های بیداری اسلامی از قبیل:

فعال شدن نقش روحانیون آگاه، ترویج فرهنگ و سنت های اسلامی، تقویت سازمان ها و مؤسسات فراگیر اسلامی، توسعه امکانات راهبردی جهان اسلام، تحقق آگاهی سیاسی مطلوب در جوامع اسلامی، تقویت امید به آینده، حمایت از مقاومت اسلامی، گسترش آگاهی عمومی از اسلام و مسائل روز جوامع اسلامی، گسترش حرکت تبلیغاتی، ترویج دعوت به فرهنگ تقریب و وحدت اسلامی، تلاش در راه فتح باب اجتهاد، توازن بین اصولگرایی و نواندیشی، تبیین طرح جامع اسلامی در همه زمینه های زندگی و...

ج) آسیب شناسی بیداری اسلامی: (افراط گرایی و حرکت های کور، سطحی نگری، التقاط، تعصب، استحاله، انحراف، افتادن در دام توطئه های استکباری)

تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۱۶۱۸ - ۸۸۳۵۴۵۴۱

فکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۱۶۱۶ - ۸۸۳۲۴۵۴۱

پست الکترونیکی: international@taghrib.ir یا Baimalmelal@yahoo.com

ملاحظه: خواهشمند است الزاماً مقاله خود را با برنامه word تایپ و از طریق ایمیل های فوق ارسال فرمایید.

آدرس: تهران - خیابان طالقانی - بعد از چهارراه فرصت - شماره ۲۴۸ - مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی -

ص.پ: ۱۵۸۷۵/۶۹۹۵

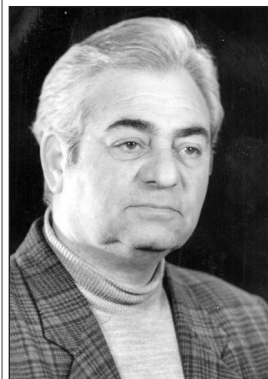
دبیرخانه هیئت علمی بیست و پنجمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی

هو الحق

یک سال پیش مردی از تبار سادات طباطبایی

به کاروان ابدیت پیوست و جمال حضرت دوست را در

ملکوت اعلی به تماشا نشست.



یک سال از درگذشت زنده یاد
مهندس سید عبدالباقی طباطبایی
فرزند ارشد علامه سید محمد حسین
طباطبایی و داماد حضرت آیت الله
حاج شیخ مرتضی حائری یزدی،
سپری شد. با تقدیم احترام و ادب و
قدردانی و تشکر از آیات عظام،
علمای اعلام، مراجع معظم تقلید و
مسئولین محترم قم، اقشار محترم و
شهروندان عزیز، فضلا و روحانیون، برنامه مراسم اولین سالگرد
آن رادمرد فرزانه اعلام می گردد:

مراسم آقایان: خیابان صفاییه، حسینیه شهدا، جمعه، ۱۳۹۰/۹/۴
بعد از نماز مغرب و عشا.

مراسم بانوان نیز همزمان در بیت علامه طباطبایی (ره) واقع در
صفاییه، کوچه ۲۱ کوچه ناصر - پلاک ۳۵ برگزار می شود.

پیشاپیش مقدم ارزشمند عزیزان را ارج می نهیم.

خانواده علامه طباطبایی

تصحیح تاریخ و تکذیب اکاذیب!

زمانی، افرادی مهم و تأثیرگذار بوده‌اند. ذکر این نکته را ضروری می‌دانیم که هدف از درج این خاطرات، جز ایجاد همین فضای نقد و گفت و گو نبوده است، فضایی که می‌تواند نگاه عالمانه به تاریخ معاصر را ترویج، و راه آینده را روشن کند.

نسیم بیداری

روزنامه اطلاعات مورخ ۵۹/۱۷/۱۲، شماره ۱۶۳۴۹ ص - ۷ تحت عنوان: تحلیل های امریکا درباره روحانیت* در ضمن ارائه گزارش هایی درباره بعضی از علماء و روحانیون عالیقدر، در مورد آیت الله میلانی یک به اصطلاح سند(۱۹) یا در واقع گزارش بی اساس نقل شده که در آن چنین آمده است:

..چند روز پیش معاون سنا Atin در تماسی که بارایزن امور سیاسی سفارت گرفته، گفت: آیت الله میلانی که از نفوذ زیادی در مشهد برخوردار است و حداقل دو بار در داخل کشور تبعید بوده، از وخامت اوضاع نگران بود و اظهار امیدواری کرد که شاه کشور را ترک نکند.. امضا سولیوان شماره ۴۷۱.. اول سپتامبر ۷۹.

این سطوری از یک گزارش فوری و محرمانه سفیر امریکا در ایران، به وزارت امور خارجه امریکا است که از اساس مجعول و غیر واقعی است، چون اولاً آیت الله میلانی در ایران؟ تبعید نشده بود و ثانیاً اصولاً حضرت آیت الله میلانی چند سال قبل از تاریخ مذکور، به رحمت خدا رفته بود و طبعاً نمی توانسته درباره مسائل روز اظهار نظر کند! و درواقع جناب سفیر برای "خوش آیند" مقامات بالاتر خود در واشنگتن! به "جعل حدیث" پرداخته است...

یک نمونه دیگر در داخل کشور، مشابه همین سند! است و یکی از شخصیت های محترم، در خاطرات خود از دستگیری و محاکمه شیخ غلامرضا زنجانی "پیشکار آیت الله شریعتمداری خبر می دهد که گویا ایشان هم برای آزادی وی "وساطت" کرده است... در حالیکه باز همه می دانیم که شیخ غلامرضا زنجانی - غفرالله له - چند سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در گذشته بود... و زنده نبود که دستگیر و محاکمه شود...

۳- سومین خاطره منقول در مجله، از آقای شیخ صادق خلیخالی است که طبق معمول، آکنده از کذب و جعل و افسانه است... البته من درباره قضاوت های او در دادگاه های انقلاب داوری نمی کنم و این بهعهده قضاات محترم و اصحاب حقوق و قانون است که در این باره نظر خود را اعلام دارند، ولی در مورد تاریخ و خاطرات و حوادث معاصر می توانم داوری کنم...!

آقای خلیخالی در خاطرات منقول در مجله "نسیم بیداری" می گوید:

... غلامرضا سعیدی بیرجندی هم یکی از اطرافیان آقای شریعتمداری بود. او نامه های آقای شریعتمداری را به زبان های انگلیسی و اردو و غیره ترجمه می کرد و از رفقای صمیمی اقبال، نخست وزیر وقت بود. دکتر اقبال، تقریر و تقدیری بر کتاب "خطر جهود" آقای غلامرضا سعیدی نوشته بود که در چاپ اول آن درج شد. غلامرضا سعیدی نیز از مؤسسين حزب خلق مسلمان بود. او همچنین، یکی از رفقای صمیمی علم، پسر شوکت الملک بود. آنها با هم ارتباط خانوادگی و قوم و خویشی داشتند. او شاید متجاوز از بیست سال، همسایه دیوار به دیوار امام خمینی بود، ولی حتی برای یک دقیقه هم به منزل ایشان نیامد.

... غلامرضا سعیدی سابقاً از ارکان دولت بود و با رضاخان ارتباط داشت. عدا او با امام به خاطر این بود که درواقع، خانه امام، بیت و مأمن ملت

می گشته است!! ولی او توضیح نمی دهد که چرا و برای چه ضرورتی هر روز به قم "می آمده و در این ساعات حضور در قم، در کجا اقامت می کرده و با چه کسانی تماس می گرفته است؟ و اصولاً اگر حضور او در قم ضروری بوده، چرا این همه راه را هر روز، - آن هم با آن وضع جاده معروف قدیم قم - وقت تلف می کرده و در بین راه بوده؟ و چرا در قم اقامت نمی کرده است تا به حل و فصل! امور بپردازد؟ و اصولاً مگر با تلفن و از تهران نمی توانست با قم تماس بگیرد؟

اینجانب که بویژه در آن روزهای بحرانی، همواره در منازل مراجع عظام قم، از جمله منزل آیت الله شریعتمداری - در اندرونی و بیرونی - حضور می یافتم این چنین آدمی را هرگز رؤیت نکردم و بی تردید اگر او - یا هر کس دیگری - هر روز به قم می آمده و به دیدار مراجع می رفته، قطعاً ما او را شناسایی می کردیم و یا حداقل او را در بیت مراجع و به هنگام دیدار با آنها، می دیدیم.

او علاوه بر این کذب روشن و دروغ آشکار حضور همه روزه در قم! مدعی می شود که گویا آیت الله شریعتمداری می خواسته قبل از انقلاب حزبی اسلامی(۱۹) تأسیس کند و او را هم به "رهبری آن حزب" انتخاب نماید؟..

ظاهراً افسانه احزاب شه ساخته: "حزب مردم" و "ایران نوین" و "رستاخیز" هنوز در ذهن علیل آقای انصاری حضور فعال دارد که ناگهان به فکر تأسیس یک حزب اسلامی می افتد که گویا قرار بوده که او هم - با اجازه شاه-! رهبر آن حزب بشود؟

آیا آقای انصاری از خود نمی پرسد که علماء بلاد و مردم مسلمان ایران که قاعدتاً باید عضو یا هوادار این حزب می شدند، از خود نمی پرسیدند که این فرد کیست؟ و از کجا پیدا شده و آمده؟ و دارای چه خصوصیات و مزایای اخلاقی یا معلومات مذهبی است که رهبر یک حزب اسلامی! شده است؟

آقای انصاری اصولاً تشخیص نمی دهد که تأسیس یک حزب اسلامی و رهبری آن، نیازمند شرایط و خصوصیات ویژه ای است که هرگز شرایط آن به هیچ وجه در شخص نامبرده، موجود نبوده و امکان نداشت که شخص مجهول الهویه ای، توسط یک مرجع وقت، به رهبری حزبی اسلامی! انتخاب شود، در حالیکه علما و شخصیت های مسلمان و برجسته ای در ایران اسلامی وجود داشتند که می توانستند این وظیفه را، در صورت تحقق و لزوم، به عهده بگیرند.

ظاهراً افسانه های آقای انصاری مانند موهومات گزارش شده جناب سولیوان! سفیر آمریکا در تهران، ریشه در دروغ پردازی و گزارش کذب دارد...

این نوع گزارش های دروغ را ما در بعضی از تلکس های جناب سولیوان می بینیم که به عنوان نمونه می توانیم به گزارش زیر اشاره کنیم. در

یا مقطع تاریخی، روایات گوناگون و گاه متناقض ارائه می شود که جز با کنار هم قرار دادن روایات و مطالعه عمیق، نمی توان به صحت آن پی برد. گزیده خاطرات درج شده در شماره قبل نیز از این قاعده مستثنی نیست و گرچه ممکن است تمام نقل ها، عین حقیقت نزدیک نباشد، اما از سوی کسانی است که در آن مقطع

شرعاً بتوانم روزه بگیرم و در واقع از لحاظ فقهی، "مسافر" محسوب می شدم و اگر روزه می گرفتم روزه ام "باطل" بود و بعدها می بایست مجدداً آن روزه ها را بجا می آوردم... بهرحال امیدوارم که برادران خاطره نویس، موازین اخلاقی را مراعات کنند و یا حداقل کمی "تقوای سیاسی" داشته باشند. البته می دانیم که آیت الله گرامی، هم اکنون از اساتید معروف دروس خارج در فقه و اصول و فلسفه در حوزه علمیه قم است و آثار چاپ شده زیادی در این زمینه ها دارد که با استقبال خوب طلاب حوزه ها و دانشجویان دانشگاه ها قرار گرفته و بارها تجدید چاپ شده اند...

تجریح یک عالم بزرگوار، از سوی برادرانی که گویا قصد نشر حقایق تاریخی! را دارند، به هیچ وجه توجیه پذیر نیست و امیدواریم که تنظیم کنندگان خاطرات، عدل و انصاف را برنامه عمل خود قرار دهند و از نقل هر مطلبی که حتی در صورت صحت موجب تشویش اذهان می گردد، خودداری کنند و ناشرین محترم اعترافات* هم از اقدام بی دلیل خود، عذرخواهی نمایند!

۲- دومین اعترافات کذب منتشره در مجله وزین نسیم بیداری، مربوط به شخصی به نام احمد علی انصاری است که مدعی است از خویشاوندان

فرح دیبا است و به ادعای خود، از نزدیکان شاه مقبور بوده که در مسائل روز، رابط! اصلی بین شاه و قم بوده و بویژه با آیت الله شریعتمداری ارتباط دائم داشته و مدعی است: "هر روز صبح ساعت ۵ با یکی از دوستان به نام مرتضی شیرزاد به قم می رفتم و تا ساعت ۶ تا ۸ می ماندم و یا ۸ یا ۹ برمی گشتم!" نامبرده سپس بطور مضحکی داستان دیگری می سراید و به دروغ مدعی می شود که: آیت الله شریعتمداری قبل از بالا گرفتن موج انقلاب به من گفتند که خیال دارند حزبی به نام حزب اسلامی تأسیس کنند و گفتند اگر از شاه اجازه بگیرید، من می خواهم شما را به عنوان رهبر این حزب انتخاب کنم...!!

این افسانه ها و باطیل را احمد علی مسعود انصاری در کتاب "من و خاندان پهلوی" منتشر ساخته و متأسفانه مجله "نسیم بیداری" هم معلوم نیست به چه دلیلی و با چه هدفی؟ آن را، نقل و چاپ کرده است..!

البته این آقای انصاری، پس از اختلاس پنج میلیون دلاری و تقلب در یک شرکت گویا تجاری و بالا کشیدن پول های پسر شاه، به دادگاه های امریکا و اروپا کشیده شد و در کتاب خود نیز به این امر اشاره دارد، ولی آن دود شدن و هوارفتن دلارها را، نتیجه ضرر و زیان در امر تجارت می نامد، بدون آنکه اسناد این تجارت! و نوع ضرر و زیان را بتواند به دادگاه ارائه نماید...

این فرد با این سابقه، اکنون مدعی است که هر روز ساعت ۵ یا ۶ صبح به قم می آمده و عصر ساعت ۸ یا ۹ به تهران بر می گشته است.. (یعنی چند ساعت پس از رسیدن به تهران، مجدداً به قم بر

جناب حجت الاسلام خسروشاهی، که از فضلای گرانقدر حوزه اند، با ارسال مطلب ذیل، نسبت به برخی از خاطرات درج شده در شماره قبل، واکنش نشان داده اند. جناب ایشان و خوانندگان فهیم ماه نامه، حتماً می دانند که ویژگی تاریخ به ویژه تاریخ شفاهی، عدم قطعیت است. بسیار دیده ایم که از یک حادثه

مدیریت محترم ماهنامه نسیم بیداری

با سلام و درود، محترماً اشعار می دارد:

در شماره ۲۰ مجله "نسیم بیداری" - مورخ شهریور - ۱۳۹۰ مطالبی تحت عنوان: اعترافات، از بعضی ها نقل شده بود که علاوه بر عنوان آن، اصل موضوع و نقلیات هم موجب تعجب - و تأسف - گردید...

برای تصحیح تاریخ و تکذیب اکاذیب به سه مورد از منقولات مزبور اشاره می شود:

۱- در اعترافات آقای عزت شاهی آمده است: "با حسین جنتی چند بار برای دیدار با آقای محمد علی گرامی، به منزل ایشان در قم رفتیم و از وی خواستیم که در منابر و سخنرانی های خود کمی تندتر صحبت کند. جوابی که از آقای گرامی شنیدم خیلی جالب بود: پریشب من رسول الله(ص) را خواب دیدم. حضرت ایشان گفتند که حاج آقا روح الله دیگر رو به اون وری است و حوزه به سرپرست احتیاج دارد. شما خودت را برای حوزه حفظ کن. نظرم اینست که حوزه پس از آقای خمینی صاحب می خواهد...!"

این متن نوشته آقای عزت شاهی در مورد آیت الله شیخ محمد علی گرامی است... و با توجه به سابقه دوستی و آشنائی نیم قرنی من با ایشان، این مطلب را بر ایشان نقل کردم و آیت الله گرامی خندید و گفت:

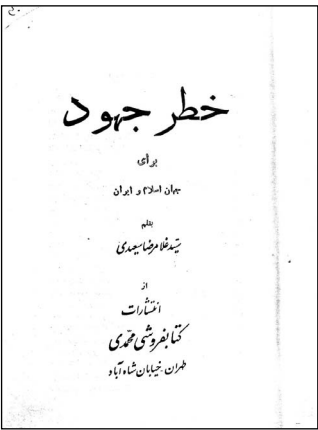
اولاً: ایشان - فقط یک بار و نه چند بار - همراه آقای حسین جنتی فرزند آیت الله جنتی که از مجاهدین خلق بود، به منزل ما آمد و ظاهراً معقول نباشد که من در آن دیدار نخستین از خواب و رهنمود پیامبر اکرم سخن بگویم... بویژه که من اصولاً همچو خوابی ندیده بودم تا آن را به فردی نوآشنا نقل کنم.

ثانیاً: در آن دوران، اعاضمی در حوزه های علمیه ایران بویژه قم حضور داشتند که با وجود آنها، اظهار وجود بنده در سن سی سالگی، منطقی و معقول بنظر نمی رسد.

ثالثاً: اصولاً شما و دیگران، از سوابق علائق اینجانب نسبت به امام خمینیرحمه الله، مطلع هستید و من با آن علائق، چگونه می توانم راضی شوم و بگویم که ایشان رفتنی هستند؟ تازه در آن دوران، امام خیلی سالم تر و سرحال تر از ما جوان ها بودند.

و بهرحال این حدیث از قول هر کسی که نقل شده باشد، جعلی و کذب محض است و موجب تأسف است که فردی برای اثبات وجود، با نقل اکاذیب به خاطره نویسی می پردازد... و البته این احتمال هم هست که نامبرده این قصه را خود در خواب دیده و بعد در موقع خاطره نویسی، خواب خود را به عنوان یک خاطره از دیگران، نقل کرده است... والله العالم..!

بعد آیت الله گرامی افزود: آقای دیگری به نام احمد احمد هم در خاطرات خود نوشته که من که با ایشان در زندان هم سلولی بودم و در ماه رمضان روزه نمی گرفتم و به ایشان هم گفته ام که "مسافر" هستم...! این بنده خدا توضیح مرا نقل نکرده است... مرا در ماه مبارک رمضان دستگیر کرده و به تهران منتقل کردند و من هر روز احتمال می دادم که به زودی آزاد شوم و لذا قصد اقامه ده روز رانداشتم تا



ایران بود. غلامرضا سعیدی که از بازنشستگان یکی از وزارتخانه ها بود، به عنوان مترجم در بیت آقای شریعتمداری جا خوش کرده و آقای شریعتمداری نیز احترام فوق العاده ای برای او قائل می شد. ارتباط او با علم هیچ گاه قطع نشد…

این چند سطر از خاطرات نامبرده شامل اکاذیب عجیب و غریبی است که به آنها فقط اشاره می کنم.

۱- مرحوم استاد سید غلامرضا سعیدی نامه های آقای شریعتمداری را به انگلیسی و اردو و غیره ترجمه نمی کرد. این کار را آقای سید شمیم رضوی که یک روحانی پاکستانی بود، انجام می داد و آقای سعیدی اصولاً با زبان اردو! آشنایی نداشت. آقای سعیدی، پس از بازنشسته شدن از کار اداری در بانک مرکزی، به قم آمد و به خدمات فرهنگی خود در ترجمه کتاب های ارزشمند درباره اسلام و مسلمانان، ادامه داد که اغلب آنها بارها در قم و تهران چاپ شده است و در همین رابطه است که حضرت آیت الله خامنه ای در پیام تسلیت خود، به مناسبت درگذشت وی، چنین می نویسد:
.. این عنصر صدیق و دلسوز و خدمت گزار اسلام در طول سال های بابرکت عمر خویش، با فصص و تحقیق و نگارش و ترجمه آثاری پدید آورد که بی شک در نشر افکار نوین اسلامی، دارای تأثیر بود و به خاطر همین آثار است که حقاً باید او را در زمره پیشروان نهضت اسلامی در ایران شمرد. او همچنین انسانی وارسته و پاکدامن و متواضع و غیور و مبارز بود به مسائل جهان اسلام اهتمام می ورزید و در راه تشکیل نظام اسلامی تلاش فرهنگی ارزنده ای می کرد…
با این داوری منصفانه و عادلانه، آیا اباطیل خلخالی ارزش پاسخگویی دارد؟
۲- آقای سعیدی هیچگونه ارتباطی - نه شغلی و نه فکری - با دکتر منوچهر اقبال نداشت. دکتر اقبال چاکر هم معقول نیست که جرأت کند و تقدیر و تقریر و تقریظی بر کتاب "خطر جهود" آقای سعیدی بنویسد و چاپ اول آن که همچنان در کتابخانه بنده موجود است، شامل مقدمه یا تقریظ هیچکس نیست و البته این کتاب آقای سعیدی شاید نخستین کتاب به زبان فارسی است که خطر صهیونیسم را برای ایران و جهان اسلام هشدار می دهد و موجب تعجب و تأسف است که آقای خلخالی، در راه هدف خود، حاضر است که به دروغ گویی بپردازد.. و بخواهد که از ارزش و اهمیت کتاب بکاهد!.

۳- آقای سعیدی هیچ نسبت فامیلی با علم -وزیر دربار وقت- نداشت. اسدالله خان علم - غلام خانه زاد" شاگرد استاد سعیدی در مدرسه پدر او - امیر شوکت الملک - در بیرجند بوده و این مدرسه تنها مدرسه جدید در آن زمان، در بیرجند بوده است و آقای سعیدی یکی از معلمان آن..

استاد سعیدی پس از تألیف و نشر کتاب "خطر جهود" در تهران، توسط کتابفروشی محمدی، از طرف ساواک بازداشت شد و صحبت محاکمه او بود که اسدالله علم به عنوان اینکه شاگرد او در بیرجند بوده، وساطت نمود و از محاکمه استاد سعیدی جلوگیری کرد و بعد هم آقای سعیدی آزاد شد.. (داستان آن را من در مقدمه کتاب اقبال لا هوری، از قول خود استاد سعیدی نقل کرده ام. مراجعه شود).
۴- آقای سعیدی در قم، همسایه دیوار به دیوار امام خمینی نبود. ایشان در اوائل ورود به قم دو اطاق در کوچه آقازاده اجاره کرده بود که با یخچال قاضی محل اقامت امام، فاصله زیادی دارد، آقای سعیدی البته بیست سال! هم در قم اقامت نداشت.. و در مدت چند سالی که در قم بود به تألیف و ترجمه و تحقیق پرداخت… و در مورد دیدار با امام هم که نخستین بار همراه بنده که در یخچال قاضی، همسایه دیوار به دیوار امام بودم، به دیدار ایشان آمد و من آقای سعیدی و خدمات او و بویژه قصه کتاب خطر جهود را به امام گزارش کردم و امام ایشان را دعا کرد.

در دو سه مورد دیگر نیز، به مناسبت اعیاد مذهبی یا مجلس عزاء، باز آقای سعیدی همراه بنده به بیت امام آمد و عرض ادب نمود.. انگاه آقای خلخالی مدعی می شود که او در طول بیست سال! به دیدار امام نرفت که کذب محض است و دروغ خالص…

۵- آقای سعیدی هیچوقت از ارکان دولت نبود و با رضاخان هم هیچگونه ارتباطی نداشت و حتی با پسر او هم حاضر نشد ملاقات کند که من باز داستان آن را از قول خود وی در مقدمه کتاب اقبال لا هوری، آورده ام.

۶- آقای سعیدی به علت تسلط به زبان انگلیسی و فرانسه و عربی، پس از پایان تحصیلات خود، در بانک مرکزی استخدام شده بود. از ارکان هیچ دولتی محسوب نمی شد و بازنشسته هیچ یک از وزارتخانه ها نبود. چون سمتی در هیچ وزارت خانه ای نداشت و اصولاً آقای سعیدی در تهران در جناح آیت الله طالقانی و مهندس بازرگان قرار داشت و در تمام مراسم آن ها شرکت و سخنرانی می کرد… آقای شیخ صادق خلخالی متأسفانه در زندگی خود دچار اشتباهات نابخشودنی فراوانی گردید که هرگز قابل توجیه نیست.. و نماز خواندن او پشت سر سرهنگ قذافی مجنون، در طرابلس، یکی از این اشتباهات تاریخی وی بود! (عکس این نماز جماعت را ایشان پس از مراجعت به ایران در بعضی از جرائد چاپ کرد تا انقلابی تر!! جلوه کند).

و صد البته کتاب خاطرات آقای خلخالی اصولاً ارزش تاریخی ندارد و بررسی و نقد کامل آن چیزی جز اتلاف وقت نخواهد بود و اگر سطور فوق در مجله تسیم بیداری نقل نمی شد، بی تردید ما به نقد آن هم نمی پرداختیم..

به امید آنکه اصحاب مجله هم، با توجه به نوع خوانندگان خود، از نقل این قبیل اباطیل و اکاذیب خودداری کنند.

 	والسلام
 	سید هادی خسروشاهی - قم: ۹۰/۷/۵
 	نقل از ماهنامه: تسیم بیداری شماره ۲۱، سال دوم، ص ۲۴ و ۲۵ و ۲۶

نظرها و اندیشه‌ها - خبری

نیمه دوم آبان ماه – شماره ۱۶ – ۳

وزیر ارشاد:

بزرگان گذشته و حال را شناسایی و تکریم می کنیم

اشاره کرد و گفت: دایم تلاش و تاکید می شود که مسئولان به موضوع فرهنگ و هنر اهتمام ویژه‌ای داشته باشند اما متأسفانه به رغم تأکیدات فراوان، اکنون فرهنگ و هنر به عنوان مساله اول در کشور مطرح نمی شود.

عضو کابینه دولت دهم به دور سوم سفرهای استانی دولت که با محوریت فرهنگی انجام شد اشاره کرد و آن را نشانه اهتمام ویژه دولت به مقوله فرهنگ و هنر و جایگاه آن در کشور دانست.
حسینی تصریح کرد که اگر به فرهنگ و هنر در جامعه بها داده شود، نفع آن برای کل کشور است و آحاد جامعه را در بر خواهد گرفت.

حسینی به موضوع تکریم هنرمندان، بزرگان، شخصیت‌ها و پیشکسوتان عرصه‌های مختلف فرهنگی و هنری کشور اشاره کرد و گفت: این حرکت مدتی است که در سراسر کشور آغاز شده و با جدیت نیز دنبال می شود.

تشابه اسمی واشتباه در کتاب درسی آموزش وپرورش

۱۳۸۹ فوت کرده‌ام!

ایرج افشار البته از پیگیری این موضوع و قول مساعد مسئولان وزارت آموزش و پرورش برای لاک گرفتن این بخش از کتاب مذکور خبر داد و همچنین یاد مرحوم ایرج افشار یزدی را گرامی داشت و گفت: استاد افشار از نسخه‌شناسان و کتابشناسان بزرگ ایران و حتی خاورمیانه است اما نه ایرانشناس و قوم‌شناس. او حتی یک بار به منزل ما هم آمد و فیلمی مستند هم از من و بچه‌های خودش تهیه کرد. این پژوهشگر پیشکسوت حوزه ایرانشناسی افزود: من تاکنون موفق به کسب نشان‌های چهره‌های ماندگار، مفاخر فرهنگی، رودکی (از تاجیکستان) شده‌ام که تمام این القاب را به استاد افشار داده‌اند و من فکر می‌کنم این ناشی از کم‌اطلاعی افرادی است که زیاد با اینترنت سر و کار دارند.

ایرج افشار تاکید کرد: پسوند *سیستانی* در شناسنامه من نیست ولی برای جلوگیری از اینکه من را با استاد افشار، اشتباه بگیرند، حدود ۳۰ سال پیش این پسوند را به شناسنامه‌ام اضافه کردم و از دومین کتابم تاکنون، اسمم را با این پسوند چاپ کرده‌ام. البته نام استاد فشار هم دارای پسوند *یزدی* است و شاید اگر اسم من و او را به طور کامل مورد استفاده قرار می‌دادند، این اشتباهات خنده‌دار پیش نمی‌آمد!

دانشنامه فرهنگ مکتوب عرفان و تصوف منتشر شد

النبین حضرت محمد مصطفی (ص) و امام عارفان حضرت علی (ع) منابع اصلی معرفتی و طریقتی عرفا است. خطبه متقین مولی الموحدین حضرت علی (ع) و صحیفه سجادیه حضرت زین العابدین علی بن الحسین (ع) مانیفست معنوی عارفان و اهل طریقت است.

تقریبا نسب تمام سلسله های عرفانی به حضرت علی (ع) مظهر کامل ولایت و ولی بعد از نبی اکرم (ص) می رسد. پس از رسول الله (ص) و قطب الاقطاب العارفین علی (ع)، امام حسین، امام سجاد و امام رضا علیهم السلام قهرمانان و اسوه های متعالی عرفا هستند. عرفان اسلامی در سراسر قلمرو جهان اسلام از آفریقا تا خاورمیانه و آسیای مرکزی تا خاوردور حضور و ظهور دارد و امروز در امریکا و اروپا نیز زنده، فعال و جذاب است. از نظر بسیاری از عارفان و صوفیان حضرت مهدی فاطمه علیهماالسلام، خاتم اولیا و انسان کامل زنده حاضرالزمان است که وساطت فیض حضرت حق جل جلاله و رهبری معنوی انسان ها و دستگیری فقرا و اهل دل را می کند.

دانشنامه فرهنگ مکتوب عرفان و تصوف به معرفی فشرده مکتوبات و شخصیت های موثر عرفان و تصوف اسلامی براساس روش دانشنامه نویسی نوین از قرن اول تاریخ اسلام تا قرن بیست و یکم میلادی می پردازد. این دانشنامه با هدف معرفی ابعاد فرهنگ مکتوب در چهار محور آثار مکتوب، شخصیت های موثر در پیدایش و بسط این فرهنگ در جهان، مکان ها و نهادهای تاثیر گذار در توسعه آن و مفاهیم مرتبط با شکل گیری و تداوم این فرهنگ انتشار یافته است.

درصدد هستیم بزرگان و شخصیت های گذشته و حال را شناسایی و ضمن تکریم و معرفی آنها به مردم، به ویژه نسل جدید، آثار آنها را نیز احیا و به جامعه ارائه کنیم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان این مطلب، افزود: به کارگیری صحیح هنر گاهی می تواند تأثیرات فراوانی بر مردم داشته باشد و منشأ تحول در جامعه شود.

به گزارش ایرنا، سیدمحمد حسینی در نشست با اعضای کمیته‌های تخصصی امور هنری شورای ارزشیابی هنرمندان که در محل این وزارتخانه برگزار شد، ضمن تشکر و قدردانی از اهتمام و همکاری خوب اعضای این شورا گفت: این گونه نشست‌ها باعث می‌شود مسایلی که نادیده گرفته شده و یا نیاز است که به آن پرداخته شود، مورد تاکید و توجه قرار گیرد.

حسینی، به سخنی از رهبر معظم انقلاب مبنی بر آنکه فرهنگ آن چیزی است که من حاضرم جانم را فدای آن کنم

اخیراً وزارت آموزش و پرورش کتاب درسی "جغرافیای استان ها" را چاپ کرده که در آن زندگینامه ایرج افشار سیستانی پژوهشگر درقید حیات آمده اما در کتاب اعلام شده که وی در سال ۱۳۸۹ (تاریخ درگذشت ایرج افشار یزدی)، فوت کرده است!

ایرج افشار (سیستانی) ایران‌شناس در گفتگو با مهر، گفت: من ایرانشناس و قوم‌شناس و پژوهشگر در حوزه خلیج فارس هستم و مرحوم ایرج افشار (یزدی) نسخه‌شناس بود اما بسیاری در اینترنت هر چه که در رزومه من بوده است، به نام آقای افشار نوشته‌اند ولی اعضای خانواده او آمدند منزل من و بابت این مسئله عذرخواهی کردند.

وی افزود: این اشتباه تا جایی پیش رفته که یکی از خبرگزاریهای رسمی کشور به تازگی عکس من را در کنار یکی از خبرهایش که مربوط به زنده‌یاد ایرج افشار بود، منتشر کرده است.

این ایرانشناس اضافه کرد: به تازگی هم وزارت آموزش و پرورش کتاب درسی "جغرافیای استان‌ها" (مربوط به استان سیستان و بلوچستان) را چاپ و در ۲۴ هزار جلد در مدارس توزیع کرده و در آن به معرفی من پرداخته و تمام زندگینامه من را چاپ کرده اما در زیر مطلب نوشته است که من در سال

دانشنامه فرهنگ مکتوب عرفان و تصوف به سرورباستاری دکتر سید سلمان صفوی به مناسبت میلاد امام رضا (ع) در لندن منتشر شد. دانشنامه فرهنگ مکتوب عرفان و تصوف با بیش از دو هزار مدخل از سوی آکادمی مطالعات ایرانی لندن به صورت الکترونیکی و چاپی در هزار صفحه به شماره شابک ۹۷۸-۰-۹۵۵۲۲۹۸-۷-۹ در لندن منتشر شد. این دانشنامه پس از حدود دو سال تحقیق با همکاری حدود چهل محقق و آقایان محمد نوری (مدیر)، سید مصطفی مطبعه چی (ناظر) به سرورباستاری دکتر سیدسلمان صفوی و طرح جلد سیدمحمدعلی علوی منتشر شد.

در این دانشنامه مکتوبات و چهره های مشهور عرفان اسلامی از قرن اول هجری تاکنون به صورت الفبایی و براساس اصول علمی دانشنامه نویسی معرفی شده اند. به عنوان مثال اويس قرنی صحابی حضرت محمد مصطفی (ص) و حضرت امام علی (ع) و آیت الله العظمی بهجت به عنوان چهره های برجسته سلف و معاصر عرفا معرفی شده اند. به تدریج مداخل و اطلاعات مرتبط بیشتری به دانشنامه الکترونیکی مذکور اضافه می شود. براساس پیش بینی آکادمی ویرایش دوم چاپی دانشنامه در سال آینده منتشر می شود. آدرس سایت الکترونیکی دانشنامه فرهنگ مکتوب عرفان عبارت است از: sufismencyclopedia.com

در مقدمه دانشنامه مذکور آمده است: معنویت جوهره اسلام ناب محمدی و عرفان، معرفت و طریقتی است که جنبه های معنوی اسلام را آشکار می سازد. آیات قرآن کریم سرشار از تعالیم معنوی اسلام است. پس از قرآن حکیم، تعالیم خاتم

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین دعایی در همایش منشور بیداری:

مشى و منش امام(ره)

یارانی بودند که به دلیل رعایت احتیاطات لازم از هر نوع امکانی که شائبه بهره‌گیری از امکانات رژیم حاکم بر عراق (بعثی‌ها) داشته باشد، پرهیز می‌کردند و آن را خلاف مصلحت می‌دانستند. اما برخی از آن بهره‌می‌گرفتند و حتی از موج رادیوی آن استفاده می‌کردند. اینها تفاوت‌هایی در مشی و شیوه عمل بود و همه اینها زیر چتر رهبری و تحمل و پذیرش امام بزرگوار بود. امام به راحتی همه را تحمل می‌کردند و همه را هدایت می‌کردند. دوستانی بودند که مثل خود حضرت امام انتخاب مبارزات خشن و مسلحانه را برنمی‌تابیدند و آن را خلاف مصلحت می‌دانستند. و کسانی بودند از همان یاران حضرت امام که تا مرز پیوستن به سازمان‌های مسلح پیش رفتند و حتی تشکیل‌های مبارزه مسلح را تأسیس کردند. مرحوم محمد منتظری از آن دسته بود. خود من از کسانی بودم که به گروه مبارزان مسلح پیوستم البته وقتی که مستبصر شدم، کشیدم کنار. همه ما را امام هدایت و راهبری می‌کردند. شهریه همه ما را هم می‌دادند و به راحتی در محضرشان می‌پذیرفتند و شهادت ما را هم قبول می‌کردند. اگر می‌گفتیم که فردی هست در امر مبارزه صلاحیت و صداقت دارد و جدا با رژیم شاه مخالف است، این شهادت را امام می‌پذیرفتند و به او اعتماد می‌کردند و صحبت‌های او را گوش می‌دادند و به سؤالات و ابهاماتش پاسخ می‌دادند.

من خاطرم هست که در داخل کشور وقتی مسئله حرکت تبلیغی جدیدی آغاز شده بود، مرحوم دکتر شریعتی چهره شده بود و دروس و اشارات و بیاناتش در جامعه مطرح بود و طیفی موافق او بودند و به حسینه ارشاد می‌رفتند و در مباحث او شرکت می‌کردند و طیفی نیز به شدت مخالف بودند. اوج این موافقت و مخالفت در مدرسه حقانی بود. در بین طلاب منتخب و سمبل و گزیده حوزه، جنجالی شده بود. عده‌ای موافق بودند، عده‌ای مخالف بودند و برخی اساتید مدرسه حقانی با تعصب و با قاطعیت شاید بیش از حد آن موقع این گرایش را بر نمی‌تابیدند و طلاب را تخطئه می‌کردند. بزرگانی هم در آن جمع بودند که (البته با شرایط و تبصره‌هایی) تشویق می‌کردند. اوج این اختلاف به ممیزی و قضاوت کشید. بنا شد طلابی که موافق و مخالف هستند در جمعی نظراتشان را بیان کنند و شخصیتی مورد اعتماد هر دو طیف به قضاوت بنشینند. آن شخصیت مرحوم شهید بهشتی بود. که در نهایت رأی شهید بهشتی منجر به استعفا و انصراف یکی از اساتید برجسته آن مدرسه شد که مخالف آراء مرحوم شریعتی بود. ولی البته آن استاد برجسته مورد احترام همه و امام بود، از شاگردان و یاران برجسته امام بود. از مبارزین پیشکسوت بود. در این زمینه نامه‌ای نوشت، و شرح ماجرا را به حضرت امام عرضه کرد. آن نامه نیز توسط من به امام عرضه شد. امام مطالعه کردند و سکوت کردند. یک ماهی گذشت، آن بزرگوار باز از طریق من استفتاء کردند که نظر حضرت امام چیست. استدلال کرده بود در نامه‌اش به عنوان یک فرضیه، به عنوان یک خطر به عنوان یک پروسه‌ای که در حوزه ایجاد شده و عامل ایجاد افتراق شده است و مسائلی را به وجود می‌آورد. امام مصلحت ندیدند که پاسخ بدهند. تعبیری داشتند امام که اینجا ذکر نمی‌کنم، نمی‌خواهم به کسی اسائه ادب شود. اما در یکی از سخنرانی‌های حساس‌شان اشاره‌ای کردند به این اختلافات و نقطه نظرات و نظر خودشان را به عنوان یک نظر راهبردی بیان کردند. من شهادت می‌دهم از آن لحظه‌ای که امام آن نقطه نظر را صریحاً در سخنرانی‌شان ابراز کردند، آن بزرگوار که نامه شکوائیه نوشته بود و نظر صددرصد مخالف با

روز پنجشنبه ۵ آبان ماه همایش منشور برادری در دفتر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در قم برگزار شد.

در این همایش آقای دکتر علی مطهری نماینده مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی خسروی معاون پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی رئیس مرکز تحقیقات مجمع تقریب مذاهب اسلامی، حجت الاسلام والمسلمین حبیب‌الله موسوی مسئول نمایندگی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، حجت الاسلام والمسلمین کاظم قاضی‌زاده استاد دانشگاه و سید محمود دعایی مدیر مسئول روزنامه اطلاعات سخنرانی کردند.

متن کامل سخنان حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمود دعائی مدیر مسئول روزنامه اطلاعات را در ادامه با هم می‌خوانیم ***

وقتی که مه‌پیکر عزیزم جناب آقای آقاسید حبیب‌الله موسوی امر فرمودند که در یک محفل نورانی اینچنین شرکت کنم، گفتم که صرفاً برای استفاده می‌آیم، برای بهره‌مند شدن. چون خودم را لایق و شایسته نمی‌دیدم که وقت عزیزان را بگیرم. ایشان اصرار داشتند و طبیعتاً ادب اقتضا می‌کرد که به نوعی پذیرا باشیم. ولی گفتم من در مباحث تئوریک، نظری و علمی که در میزگرد و در اظهارات بزرگان، اصحاب فکر و ادب و معنا مطرح می‌شود، دخالت نمی‌کنم چون واقف به امور نیستم. و بهترین خدمت امثال ما که مایه‌ای نداریم این است که در مباحثی که وقوف نداریم، وارد نشویم، هم خودمان را ضایع می‌کنیم، هم وقت عزیزان را می‌گیریم. منتهی ایشان گفتند با توجه به حضوری که در محضر امام داشتی و برخوردی که به مناسبت‌های مختلف و در مواقع مختلف با پدیده‌ها و گروه‌ها و تشکلهای مختلف داشتی خوب است که از تجارب، برداشت‌ها و تلقی‌های خاص خود اظهاراتی داشته باشی که طبیعتاً می‌تواند برای کسانی که بعداً بررسی می‌کنند، مفید باشد. گفتم تا این حد اشکال ندارد، می‌آیم و اگر به نحوی خاطره یا مشاهداتی باشد که با ارزش باشد، سعی می‌کنم دریغ نکنم.

همان‌طور که می‌دانید من از سال ۴۶-۴۵ رسماً مقیم نجف شدم. در واقع سال ۴۵ موقتاً از ایران رفتم و برگشتم و یک سری فعالیت‌هایی که لازم بود را انجام دادم، بعد از آن دیگر ماندنم در ایران به مصلحت نبود چون کاملاً لو رفته بودم و اگر گرفتار می‌شدم جمعی را هم گرفتار می‌کردم؛ تأکید شد که حتماً از کشور خارج شوم. بنابر این از سال ۴۶ رفتم و تا ۵۷ ماندگار شدم.

در این ۱۱ سال طبیعتاً به دلیل احساس رسالتی که می‌کردم و عشق و علاقه‌ای که داشتم در دفتر حضرت امام و در محضر فرزند پرومند ایشان، بازوی توانای امر مبارزه، در کنار ایشان بودم. به یارانی که به امر مبارزه اشتغال داشتند پیوستم و در خدمت ایشان بودم.

آنچه مربوط به برخورد امام با تشکلهای مختلف و آرا و اندیشه‌های متفاوت می‌توانم بیان کنم از مشاهدات خودم و از برداشت‌های خودم، عرض می‌کنم.

ما جمعی بودیم در نجف که همه بر یک اصل متفق بودیم که باید با رژیم شاه مبارزه کرد و امام را یاری کرد. اما در اتخاذ مشی و روش متفاوت بودیم. بعضی از دوستان بودند به دلیل عمق بینش، بهتر تصمیم می‌گرفتند و عمل می‌کردند. بعضی‌ها هم مثل ما، عناصر احساسی، کم تجربه و کم دانشی بودیم که با احساساتمان عمل می‌کردیم، همه ما را امام با بزرگواری تحمل می‌کردند و پذیرا بودند.



منشور بیداری

یک جریان داشت، از آن لحظه تا به الآن که من اینجا ایستاده‌ام، ندیدم که از نظر خودش علناً دفاع کند و خلاف نظر امام مسئله‌ای را بیان کند. میزان تعبد و پایبندی به نقطه نظرات حضرت امام عاملی بود تا بزرگانی علیرغم مخالفت صریح با نظرات حضرت امام در یک مقوله، چون رأی ایشان را در نهایت می‌شنیدند، عمل می‌کردند.

امام نسبت به سازمان‌ها، گروه‌ها، تشکلهای مبارزی که وجود داشت، با وجود گرایش‌های مختلفی که داشتند، مادامی که اصلاتی می‌داشتند، علیرغم اینکه اختلافات مبنایی و فکری با مبانی مذهبی می‌توانستند داشته باشند به دلیل نفوذشان در طیفی از جامعه ایران، آنها را می‌پذیرفتند. من خاطرم هست نمایندگان کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور را امام بارها به حضور پذیرفتند. نمایندگان جبهه ملی دوم و سایر گرایش‌ها می‌آمدند و امام را می‌دیدند. اما اگر فردی بود که اصالت و ریشه نداشت و فرصت طلبانه داعیه داشت و می‌خواست حرکت ایجاد کند، امام به شدت ابا داشتند. نمونه‌اش تیمور بختیار بود. او مؤسس ساواک در ایران بود، مخالف جدی شاه شده بود و برای نابودی رژیم شاه کمر بسته بود و علم مبارزه را بلند کرده بود، ولی اصالت نداشت. به نجف آمد و به عنوان اینکه چون در عراق پایگاه داشت و به کمک صدام جبهه آزادی‌بخش را تشکیل داده بود و می‌خواست همه گروه‌ها را در درون خودش جمع کند و تشکل بدهد و فعالیت‌های مبارزاتی‌اش را سازمان بدهد، آمده بود که از حوزه علمیه نجف و مراجع هم بهره بگیرد و به عنوان پشتوانه حرکت آزادی‌بخش خود، مدعی شود که من مسلمان هستم. و مورد تأیید مراجع و شخصیت‌های مذهبی هستم. امام او را نپذیرفتند. البته او در یک موقعیتی سرزده به منزل امام آمد و محضر ایشان را درک کرد و همین مورد اعتراض من قرار گرفت. وقتی شنیدم بختیار به محضر ایشان رسیده، رفتم خدمت حضرت امام و گفتم که شما بزرگانی مثل آقای بازرگان و آقای سحابی را به تنهایی در محضرتان نمی‌پذیرفتید، چگونه شد که بختیار به محضرتان رسید. ایشان فرمودند: بختیار دو سه دفعه می‌خواست بیاید و من نپذیرفتم. او برخورد کرد و نامه تندی نوشت. نوشته بود که محضر علما به روی کفار و اهل کتاب باز است، من که مسلمان هستم چرا نتوانم محضر شما را درک کنم. پیغام دادم که به مصلحت نیست. اما اگر مسئولین حکومتی، استاندار کربلا یا فرماندار نجف وقت بگیرند، به اینها اجازه می‌دهم که بیایند. شیب مالکی استاندار کربلا بود و رئیس کانون حقوق‌دانان عرب بود. امام طبق معمول به او وقت داده بودند که بیاید، البته نه به طور خصوصی. شیب مالکی آمده بود به اتفاق چند نفر که بختیار هم همراهش بود. وقتی که داخل شده بودند معرفی شده بود و او با این ترفند به محضرشان رسیده بود.

در خصلت‌های حضرت امام، پذیرش انتقاد یکی از ویژگی‌های برجسته است. اگر کسی در محضر امام نقدی داشت، و آن نقد وارد بود، به راحتی می‌پذیرفتند. از ایران یک بار پیغام داده بودند که وجوهات بریه و سهم امام را دارند صرف دبیرستان دخترانه می‌کنند که به هر حال با موازین شرعی سازگار نیست و باید در حوزه‌ها مصرف شود. آن مدرسه، دبیرستان رفاه بود که آقای رفسنجانی و یارانشان آن را تأسیس کرده بودند و مدرسه سطح بالایی بود. این مدرسه در آموزش و تربیت و پرورش دختران شایسته تهران، مشابه مدرسه علوی بود. مدرسه پیشرفته‌ای بود و با متد و دانش بالایی طیفی را تربیت می‌کرد و به جامعه عرضه می‌کرد. کسانی که مخالف این امر بودند، به امام

پیغام دادند که وجوهات و سهم امام را دارند صرف این کار می‌کنند. امام وقتی که نظرات نویسنده نامه را دریافتند و به ظاهر اینگونه برداشت کرده بودند که وجوهات سهم حوزه علمیه، صرف دبیرستان می‌شود، طبیعتاً فرموده بودند که از سهم امام بردارید. این در تداوم بهره‌گیری و شکوفایی یک دبیرستان نوپا صدمه‌رسان بود. آقای رفسنجانی نامه‌ای دادند به مرحوم آقای علمدار که از یزد آمده بود نجف و از طریق خود من نامه را به محضر امام رساندند و گله کرده بود که ما به این دلیل مدرسه را تأسیس کردیم که به هر حال در مسیر اهداف عالیه شما اگر در کشور نظامی پا بگیرد و اسلامی باشد، طبیعتاً به حضور عناصر برجسته‌ای از زنان نیاز است و اگر ما از الآن به فکر پرورش این نهاد باشیم، در آینده مشکل خواهیم داشت و طبیعتاً به دلیل این نیاز است که ما این پروژه را دنبال می‌کنیم. امام عبارت زیبایی خطاب به آقای هاشمی رفسنجانی نوشته بودند که بیان یک صداقت و اعتقاد ویژه به ایشان بود: گو کنت اعلم الغیب لاستکثرت من الخیر! ای کاش زودتر می‌گفتید، حالا که من واقف شدم به نیت شما، شما مجازید و به آن دوستان بگوئید نظر من را منعکس نکنند. این از شیوه‌های برخورد حضرت امام.

البته در ابتدای انقلاب هم شاهد بودیم. گروه‌های مختلف، طیف‌های مختلف، مادامی که مقابل نظام قرار نگرفتند و علیه نظام حرکتی نداشتند در ارائه فعالیت تشکیلاتی‌شان، در تأسیس حزبشان در داشتن نشریه وابسته به حزبشان آزاد بودند. اوایل انقلاب، گروه‌های مختلف سیاسی، حزب توده، فدائیان اکثریت که مبارزه مسلحانه را کنار گذاشته بودند، مجاز بودند، اعلامیه می‌دادند. و حتی خاطرم هست در همین روزنامه اطلاعات که خود من مدیر مسئول آن بودم، سال‌ها در سالگرد شهادت حنیف‌نژاد، سعید محسن و بدیع‌زادگان اعلامیه‌های‌شان را چاپ می‌کردیم و یاد و خاطره‌شان را تجدید می‌کردیم و طرفداران آنها مادامی که دست به اسلحه نبرده بودند و مبارزه مسلحانه نکرده بودند و در مقابل نظام قیام نکرده بودند آزاد بودند. و حتی در جلسه‌ای رسماً با امام دیدار کردند.

البته بعد از فرو نشستن آتش فتنه‌ها و مشخص شدن طیف‌های مختلفی که در درون نظام و در کنار نظام و معتقد به نظام و پایبند به احکام و اصول نظام هستند، طبیعتاً به دلیل نبود برخی تشکیلات پایه‌ای و یا ضرورت تشکیل طیف‌ها و سازمان‌ها و احزاب جدید، تشکلهای نوین به وجود آمد. این تشکلهای طبیعتاً مشابه هم نبودند، گرچه در اصل و در پایبندی به اصول در یک جریان بودند ولی در تاکتیک‌ها و مشی‌ها و شیوه‌ها تفاوت داشتند.

علاقه‌مندان خاص و یاران ویژه حضرت امام در شرایطی به سر بردند که برایشان ابهام بود که کدامیک از این تشکلهای باید مورد توجه بیشتر باشند. در نامه تاریخی آقای انصاری، این مسئله نوشته شد و آن پیام ویژه حضرت امام در پاسخش که به "منشور برادری" معروف شد منتشر شد و نقطه‌نظراتی که همه می‌دانید.

اما یک نکته؛ اینکه هم در شیوه برخورد اولیه اسلام، بعد از فتح مکه، برخورد حضرت رسول(ص) و پیام تاریخی اسلام به جامعه تسلیم شده‌ی بعد از فتح مکه که ائمه الطلقاء و همه را آزاد کردند، حتی رأس فتنه که ابوسفیان بود، منزلت مأمّن پناه گرفتگان شد.

ادامه در صفحه بعد

خون به خون شستن!

حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی



اعلانی، آبروی بزهکار و نزدیکان او را نیز پیش همگان و در ملا عام می‌ریزد و آنها را به ننگی ماندگار می‌آلاید و این رفتار علاوه بر اینکه ممکن است مجازات بیشتر از جرمی باشد که بزهکار مرتکب شده، مجازات کسانی است که اصلاً جرمی را مرتکب نشده‌اند و این خلاف قانون است. و خلاف قانون دست کم در این مورد خلاف دین هم است - زیرا اتهامی را که هنوز به محکمه رسمی نرفته و ثابت نشده و اعلام نگردیده به کسی نسبت می‌دهند و این خلاف قانون است و جرم و اصولاً افشای جرم پس از اثبات در صورت ضرورتی مانند آگاه‌ساختن مردم جهت گرفتارنشدن در دام فریب‌کاری این قبیل مجرمان فقط وظیفه محاکم قضایی است نه هیچ کس دیگر.

اما خلاف اخلاق است چرا که افشاکننده خلاف دیگران که خود متهم است، با این رفتار خویش به دیگران می‌گوید من متهم به خلافم و قرار است اتهام من در دادگاه مطرح شود، برای پیشگیری از طرح این اتهام و اثبات احتمالی آن، اتهام مطرح نشده و اثبات نشده دیگران را برملا می‌کنم تا کسی جرئت نکند به حریم امن من نزدیک شود و این حرکت بدین معنی است که من هر خلافی مرتکب شوم آزادم؛ زیرا، هر کسی و هر دادگاهی بخواهد متعرضم شود آبروی او و دیگران را خواهم ریخت. ملاحظه کنید در این

این روزها در روزنامه‌ها می‌خوانیم که برخی از مسئولان گفته‌اند فلان حوزه خط قرمز ما است و برخی هم گفته‌اند که اگر دادگاهی متعرض ما شود ما هم هزاران سند مربوط به سوءاستفاده دیگران را افشا می‌کنیم. ما در این تذکر کوتاه می‌خواهیم بگوییم که: اولاً، قانون، قانون است و خط قرمز نمی‌شناسد و باید همه افراد را در هر رده‌ای و در هر مقامی که هستند بدون هیچ استثنائی، فراگیرد؛ بلکه نسبت به رده‌های بالاتر باید حساس‌تر بود تا نگویند قانون، تنها برای ضعیفان است. امیرالمومنین(ع) در نامه‌ای به یکی از فرماندارانش می‌نویسد: «به خدا قسم اگر حسن و حسین کاری کرده بودند که تو کردی هیچ گرایشی و میلی به آنها نمی‌داشتم و به هیچ خواستی از من نمی‌رسیدند، تا آنکه حق را از آنها باز ستانم و باطلی را که از ستم آنها پدید آمده بزدایم».

ثانیاً، تهدید به افشای اتهام ثابت نشده دیگران خلاف دین و قانون و اخلاق است. خلاف دین است، زیرا قرآن کریم می‌فرماید: «کسانی که دوست دارند کار زشت در میان مومنان شایع شود هم در دنیا و هم در آخرت عذابی دردناک دارند و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید»۲. پیداست که برملاکردن اتهام کسانی که اتهامشان در محاکم قانونی ثابت نشده از نمونه‌های بارز اشاعه فحشا و حرام است. حتی محاکم قضائی اعلان جرم کسانی را هم که جرمشان در محاکم ثابت شده، در رسانه‌های جمعی مجاز نمی‌دانند، زیرا چنین

ادامه از صفحه قبل

همه اینها را ما می‌دانیم، این شیوه‌ای است که خداوند هم خطاب به پیامبر به آن تاکید می‌کند: «وَمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْغَلَبِ لَافْتَضُوا مِنْ حَوْلِكَ» و در آن شیوه، رحمت و عطوفتی که پیغمبر داشت، ضامن توسعه و بقای اسلام بود و نمونه متعالی آن در نظام حکومت اسلامی در زمان حضرت امیر جدا محقق شد و شیوه‌ای بود که حضرت امیر با مخالفانشان در پیش گرفتند. سرسخت‌ترین، خشن‌ترین و وقیح‌ترین مخالفان در محضر حضرت امیر آزاد بودند. می‌آمدند، به تندری خطاب می‌کردند و حضرت هیچ چیز از آنها در دل نداشت، و مادامی که دست به اسلحه نبردند و جلو حضرت قیام مسلحانه نکردند، حضرت کاری به آنها نداشت. در دوران اسلامی ما هم همینطور بود. بعد از آنکه گروه‌هایی وارد فاز مسلحانه شدند باز برخورد با آنها نیز شیوه‌های متفاوتی داشت. من یکی دو نمونه نقل می‌کنم و فکر می‌کنم که اینها از نمونه‌های تاریخی و بسیار برجسته است و حیف است که در تاریخ ماثبت نشود.

خاطرهم هست که یکی از خلبان‌ها هواپیمایی ربوده بود و به اسرائیل پناه برده بود. این در دوران ابتدای جنگ بود. در آن دوران خروج از کشور خیلی سخت بود و به هر کسی پاسپورت نمی‌دادند. ارز به شدت کم بود و دولت در تنگنا بود و تخصیص داده نمی‌شد. در این اوضاع، برادرزاده یا خواهرزاده همان خلبان، دانشجویی بود که در خارج از کشور پذیرفته شده بود و درصدد بود که ادامه تحصیل دهد. او نگران بود که ممنوع‌الخروج شده باشد. به این دلیل که فردی از اقوامش خیانت کرده بود. آمد به من متوسل شد که اگر من نروم، از تحصیلم باز می‌مانم. من مراجعه کردم به دفتر آقای ری شهری که آن موقع وزیر اطلاعات بود. ایشان با بزرگواری گفتند که ما به افسرانی که رفتند به عراق یا جاهای دیگری پناهنده شدند، به همسرانشان هم پاسپورت می‌دهیم. در صورتی که ما می‌دانیم نقطه

صروت چه محیط ناامنی پدید می‌آید؟ دیگر قانونی باقی نخواهد ماند. بعضی از مراجع در تفسیر این آیه شریفه که: «هر کس یک نفر را بدون حق قصاص و یا بی‌آنکه فساد روی زمین انجام دهد، بکشد چنان است که همه مردم را کشته است»۳، می‌فرمودند: جهشت این است که با کشتن یک نفر قانون

یعنی مرز شکسته می‌شود و وقتی مرز شکسته شد می‌افتند در بی‌قانونی که در آن هر کاری انجام می‌گیرد، از این رو کشتن یک تن می‌شود به منزله کشتن همه مردم. در واقع، اگر هم قانونی وجود داشته باشد فقط به صورت قانون است نه در حقیقت و واقعیت، زیرا اعتماد مردم از آن سلب می‌شود و هر کسی خواهد گفت: آیا قانون، تنها برای من است و فلان فرد یا گروه از حیطة و حوزه قانون بیرون‌اند؟ من چرا به قانون عمل کنم؟ در واقع چنین کسی یا کسانی می‌خواهند خلافتی را که خود به آن متهم‌اند یا خلافی دیگر، یعنی اعلان و افشای اتهام مطرح نشده و ثابت نشده دیگران در دادگاه، بزدایند و بشویند و این در حقیقت مصداق این بیت پرمغز مولانا است که:

آفت ادراک، این حال است و قال

خون به خون شستن محال آمد محال

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۱

۲- سوره نور، آیه ۱۹

۳- سوره مائده، آیه ۳۲

آن دلایلش این است که در منطقه ماسکونت داشت و پدر و مادرش همشهریان ما محسوب می‌شوند. بنده هم در دانشگاه صحبت کردم، قرار شد برود و سال آخر را بگذرانند و از تشر دفاع کند. این کار را کرد و با نمره بالای نوزده قبول شد و دکتر رشته داروسازی شد.

معمولاً فارغ‌التحصیلان در این دوره ترشان را به عزیزانشان، به پدر، مادر، استاد و نامزدشان تقدیم می‌کنند ولی او تشر را تقدیم می‌کند به بازجوییش: (برادر مهدی) که مشعلی را فراره از فروخت و من را هدایت کرد. این پدیده به عنوان سند افتخار برای نظام است. تا به الآن در فراق آن مهدی می‌سوزد. البته این مهدی در جبهه‌های حق علیه باطل (جنگ تحمیلی صدام) شهید شد. اینگونه انسان‌ها ساخته می‌شدند. اما الآن در همین نظامی که قبلاً با همسر یک خلبانی که خیانت کرده، آنگونه برخورد می‌شود؛ همین نظامی که وقتی بنی صدر فرار کرده بود و همسرش را بازداشت کرده بودند، شهید بهشتی به قاضی عتاب می‌کند که او را آزاد کنید و همسر او آزاد می‌شود و قانوناً از کشور می‌رود، حالا در بعضی جاها کار به جایی رسیده برادران! که عروس آیت‌الله امجد، یک روحانی وارسته و عارف و معلم اخلاق، که با پدر همسرش می‌خواهد برود و به همسرش بپیوندد در فرودگاه پاسپورتش را می‌گیرند. و این برخورد، آن روحانی متدین پاک‌نیت را هم برمی‌آشوباند و به جایی می‌رساند که علیه مسئولین بایستد. خب چیکار داریم می‌کنیم؟ به کجا داریم می‌رویم؟ به چه جرمی؟ اگر شوهرش یعنی پسر آقای امجد در خارج مصاحبه‌ای کرده و حرفی زده، همسر و فرزند او چه گناهی کرده‌اند؟ جلویش را می‌گیرند و تا به الآن هم لچ کرده‌اند.

آنچه که دارد این منشور (منشور برادری) را تهدید می‌کند، برخورد صرفاً امنیتی با مسائل روز است. برادران برای این قبیل موضوعات فکری بکنید. والسلام.

نماینده ولی فقیه در گیلان و امام جمعه رشت:

عشق، ایمان و ارادت به ولایت،

کشور را بیمه کرده است

عشق، ایمان و ارادت به ولایت است که کشور را بیمه کرده است.

نماینده ولی فقیه در گیلان و امام جمعه رشت در خطبه‌های نماز جمعه، در بحث پیرامون «محبت» بایبان مطلب فوق افزود: حضور بیش از دو میلیون زائر عاشق و دل‌باخته در سالروز میلاد فرخنده و مبارک ثامن‌الحجج حضرت امام رضا(ع) در مشهد مقدس و نیز استقبال بی‌نظیر مردم در سفر مقام معظم رهبری به استان کرمانشاه، به جهت عشق، ایمان و ارادت مردم به ولایت است.

آیت‌الله زین‌العابدین قربانی در ادامه اظهار داشت: محبت سرمایه‌ای است سعادت آفرین، معجزه گر و مصونیت بخش که اگر انسان به اولیاء خدا و دین خدا محبت و ارادت داشته باشد سبب می‌شود دستورات دین را عمل کرده و راه نیکان را بیپیماید.

وی افزود: همانطور که حضرت امام صادق(ع) می‌فرماید: دینداری جز محبت چیز دیگری نیست، محبت به خدا، اولیاء خدا، مومنین، محرومین و قدم در این راستا برداشتن مایه سعادت انسان است.

آیت‌الله قربانی با بیان حدیثی از امام صادق(ع) گفت: دینداری، خوش خلقی و فروتنی و نیز احسان و بخشندگی از عوامل ایجاد محبت در جامعه هستند. وی افزود: مردم اولیاء خدا و علمای دین را به خاطر دین و ایمان و تقوای شان دوست دارند، اینکه مردم حضرت امام را دوست داشتند به جهت این بود که او را مظهر دین می‌دانستند و همانطور که قرآن می‌فرماید کسی که ایمان داشته باشد و عمل صالح انجام دهد مردم او را دوست دار ند.

امام جمعه رشت خوش خلقی، تواضع و فروتنی را از صفات پیامبران برشمرد و گفت: یکی از سرمایه‌های پیامبر اسلام و دیگر پیامبران داشتن فروتنی و خوش خلقی بود و رمز پیروزی اسلام در زمان پیامبر یکی اش همین خوش خلقی و تواضع بود و لذا ما هم باید پیامبر گونه و امام گونه حرکت کنیم و مردم را با اعمال خود جذب اسلام و دین نماییم. وی تاکید کرد: کسی که می‌خواهد محبوب دیگران باشد باید حرمت دیگران را نیز نگه دارد.

نماینده ولی فقیه در گیلان تصریح کرد: خوبی و محبت جامعه را به سوی یکپارچگی، همدلی و مهربانی می‌کشاند. وی افزود: از ویژگیهای دیگر محبت، مصونیت بخشیدن است و جامعه با محبت، مصون از گناه تجاوز و تعدی و بی‌عدالتی می‌شود چرا که در آن شرایط همه خود را اعضاء یک پیکر می‌دانند.

امام جمعه رشت در ادامه گفت: هر انسانی که بر اساس دستورات خداوند عمل نماید باید او را دوست داشت ولو اینکه اختلافی با او داشته باشیم و کسی که دستورات خدا را اطاعت نمی‌کند اگر چه خانواده انسان باشد نباید او را دوست داشت و اگر این تفکر در جامعه حاکم شود جامعه الهی می‌شود. وی خاطر نشان کرد: دوستی با دوستان خدا انسان را همرنگ با دوستان خدا می‌کند و دشمنی با دشمنان خدا سبب می‌شود که انسان دنبال کارهای خلاف دین نرود.

آیت‌الله قربانی در ادامه به میلاد فرخنده حضرت امام رضا(ع) و حضور میلیونی مردم در مشهد مقدس اشاره کرد و گفت: در روز میلاد با برکت امام رضا(ع) میلیون‌ها نفر از عاشقان ولایت از سراسر کشور و حتی کشورهای دیگر به مشهد مقدس آمدند و عاشقانه به زیارت آن حضرت رفته تا معنوی و خدایی شوند. وی افزود: این سرمایه بزرگی است که ما داریم و این سرمایه عظیم است که کشور ما را نگه داشته است. وی همچنین گفت: کشور را با زور و نیروهای نظامی و انتظامی و امنیتی نمی‌توان اداره کرد بلکه با ایمان و محبت است که کشور اداره می‌شود و الحمد لله این سرمایه گرانقدر را کشور ما داراست.

دیدگاه استاد سیدهادی خسروشاهی؛

تجلی مفاهیم منشور برادری

در صفحه ۱۴ روزنامه "اطلاعات" مورخ روز پنجشنبه ۹۰/۸/۱۲، متن سخنرانی برادرم دعایی حفظه‌الله را که در همایش منشور برادری در حوزه علمیه قم ایراد شده بود، خواندم و بسیار مسرور شدم. و در واقع کمی به حال و هوای اوایل انقلاب و صفای قدیمی و روح معنوی پیشین، بازگشتم! و آرزو کردم که یککاش این روحیه عفو و اغماض و برادری و همدلی را نو بر جامعه ما حکومت کند. و دعواها و هواهای نفسانی، تحت عناوین موهوم، "برای اسلام"، "برای خدا!" و در راه "دفاع از ارزش‌ها" و برای "انقلاب" بر ما حاکم نشود، چرا که امام خمینی در یک سخنرانی می‌فرماید:

...دعواهای مادی‌خواهی نیست که برای خدا باشد. همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است، ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند، همه برای خودشان است. (متن کامل بیانات امام خمینی (ره) در جلد چهاردهم "صحیفه امام" صفحه ۴۷۹ و بعد آمده است. علاقمندان مراجعه کنند).

بهر حال امیدوارم که با عنایت حق تعالی، از این دعواها و عناوین تفرقه‌انگیز: چپ و راست، اصولگرا و محافظه‌کار! اصلاح طلب و لیبرال! و امثال اینها، دست برداریم و به برادری و صدق، صفا و مهرورزی واقعی اوایل انقلاب برگردیم!...

آقای دعایی به چند نمونه از ارزش‌های واقعی انقلاب، در گذشت و اغماض و برخورد‌های انسانی در اوایل انقلاب اشاره کرده بود و من یکی دو نمونه دیگر را که خاطراتی از امام خمینی قدس سره و تجلی مفاهیم منشور برادری در عملکرد ایشان می‌باشد - اشاره - می‌کنم:

خاطره نخست:

... پس از ماجرای عزل بنی صدر و فرار وی به خارج، جناب اندیشه بزرگ قرن! ترور در ایران! را نبرد آزادی بخش نامید و هر روز در گفتگوهای خود با رسانه‌های غربی، نظام اسلامی ایران را تحت عنوان "حکومت ملأ تاریا! مورد اتهام و هجمه قرار می‌داد... در آن ایام، اعلام همبستگی با فرقه نفاق و باصطلاح شورای ملی مقاومت! امر رایجی شده بود و هر کسی که می‌خواست در غرب بماند، به بهانه‌ای به آن ملحق می‌شد! در این میان، یکی از برادران دانشجو که در شهر "جنوا" تحصیل می‌کرد و عضو انجمن اسلامی دانشجویان در ایتالیا بود، نزد من آمد و اطلاع داد که می‌خواهد به پاریس برود و به "مقاومت" ملحق شود و پس از جلب اعتماد سران آن بنی صدر را ترور کند!... البته او در ضمن از من به عنوان یک روحانی، "مجوز شرعی" می‌خواست و بدنال موافقت مرکز یا نهاد دیگری نبود... اما من به او گفتم که بنده نه قاضی شرع هستم و نه حاکم دادگاه انقلاب و نه اهل حکم و فتوی در این قبیل امور، و اگر قرار بود در این زمینه‌ها مسئولیتی را بپذیرم، در ایران دعوت شهید آیت‌الله قدوسی را برای سرپرستی یکی از دادگاه‌های انقلاب را قبول می‌کردم اما من نپذیرفتم، چون هر کسی را خداوند برای کاری ساخته است و کار من، کار فرهنگی است و در امور دیگر، دخالتی نداشته‌ام و قصد هم ندارم که دخالت کنم. اصرار نامبرده بر عملی ساختن تصمیم خود باعث شد که من به او بگویم: برای شرکت در سمینار سفرای ایران در خارج، که هفته آینده در تهران منعقد خواهد شد، عازم ایران هستم و "حکم شرعی" این امر را فقط از امام خمینی "که شما مقلد ایشان هستید، خواهم پرسید و پاسخ را برای شما خواهم آورد! برادر دانشجو که در خلوص او شکی نبود و بعدها هم جز کادر رسمی وزارت امور خارجه شد، خیلی خوشحال گشت و قرار شد که منتظر پاسخ و نظریه امام خمینی باشد!...

... هفته بعد که به ایران آمدم و در دیدار با امام، موضوع را بعنوان یک سؤال شرعی مطرح کردم.

امام فرمودند: برای چی این کار را می‌خواهد انجام دهد؟ گفتم آقای بنی صدر در خارج، مصاحبه‌های زیادی علیه حضرت تعالی و نظام اسلامی انجام می‌دهد و مقالاتی نیز در روزنامه انقلاب اسلامی خود، علیه ولایت فقیه می‌نویسد... امام فرمود: "مگر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقهاء هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن آدم، در مقالات خود که جنابعالی برای من فرستاده بودید و من بعضی از آن‌ها را خواندم، به من فحش می‌دهد، و آیا کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام باصطلاح ما، طلبه‌ها استفهام استنکاری بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رساند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی امام افزودند: البته من وقت نداشتم همه کتابها و نوشته‌های این آدم را بخوانم. اگر جنابعالی مطالعه کرده‌اید، آیا مطلبی در آنها دارد که منکر ضروریات دین، مثلاً حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع ید سارق که یک حکم الهی است شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع ید سارق نباشد، این یعنی انکار یکی از احکام قرآنی... آیا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظریاتی ابراز کرده است؟

به امام عرض کردم که بنده اغلب آثار آقای بنی صدر را در گذشته‌ها خوانده‌ام. نامبرده در آن آثاری که من خوانده‌ام، منکر هیچ یک از ضروریات دین نشده و بلکه در مورد مثلاً ضرورت حفظ حجاب، کتاب هم نوشته است!...

امام فرمود اگر اینطور است، پس شما آن فرد را از طرف من نهی کنید و اجازه ندهید که این کار را انجام دهد... و افزودند: من در روزهای آخر که او مغرور شده بود و در سرایشی سقوط قرار داشت برای نجات او خواستم که نزد من بیاید و قصدم آن بود که در همینجا بنشیند کتاب و مقاله بنویسد و اگر نظری منطقی دارد، بطور معقول عرضه کند تا نظام آن را بررسی کند، ولی او نیامد و به منافقین پناه برد و برای ابد خود را ضایع کرد و من یقین دارم دیر یا زود منافقین هم او را تنها خواهند گذاشت... (البته این پیش‌بینی امام خیلی زود تحقق یافت و آقای بنی صدر، از طرف سازمان، خود "مطروود" دخترش نیز "مخلوع" گردید!...) این نمونه‌ای از روش و منش علوی امام خمینی درباره کسی بود که زشت‌ترین و ناجوانمردانه‌ترین اهانت‌ها را علیه نظام و رهبری در رسانه‌های خارجی، مطرح می‌ساخت. ولی روش و منش علوی امام، به او اجازه نمی‌داد که حکمی بر مهدور الدم بودن وی صادر کند و حتی در مرحله پایانی هم در فکر نجات او از سقوط بود و می‌خواست که نزد ایشان برود و در ایران بماند و در حوزه فرهنگی کار کند و اگر نظراتی دارد، آنها را بطور منطقی مطرح سازد... و می‌دانیم که امام همین نظریه را در مورد یکی از آقایان قم هم بطور مکتوب ابراز نمود و خواستار آن شد که ایشان بدون دخالت در امور، به کار تدریس و نظریه‌پردازی علمی بپردازد و حوزه را گرمی ببخشد که همگان از چگونگی آن آگاه هستند.

خاطره دوم:

نمونه دیگری در همین زمینه هست که نقل آن بی‌مناسبت نخواهد بود... در سفری به الجزائر، برای شرکت در کنفرانس اندیشه اسلامی، همراه آیت‌الله تسخیری دبیرکل مجمع تقریب مذاهب اسلامی و حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای عبدالحسین معزی که اکنون رئیس مرکز اسلامی لندن است، به الجزائر رفتیم... جلسات کنفرانس اندیشه اسلامی طبق معمول با حضور شخصیت‌های برجسته جهان اسلام و عرب و شرکت بیش از هزار نفر از دانشجویان دختر و پسر، به مدت هفت روز برقرار بود... هم آیت‌الله تسخیری و هم بنده در آن سال سخنرانی داشتیم. روزی

پس از سخنرانی اینجانب که با توجه به شرایط روز، حال و هوای انقلابی داشت و مورد استقبال جوانان و حضار قرار گرفت، در موقع خروج از سالن کنفرانس و در میان ازدحام جمعیت اساتید و دانشجویان، یک جوان از من خواست در گوشه‌ای به سخن او گوش فرا دهم... به گوشه‌ای رفتم و او به عنوان یک امر محرمانه و امانت شرعی، مطلبی را با من در میان گذاشت و خواستار پاسخ شرعی آن شد. او که ابوالعلا نام داشت گویا از اعضای رهبری یکی از

سازمانهای جهادی جوانان مصری بود و برای دیدار با بعضی از اسلام گرایان الجزائر، به آن کشور آمده بود. او گفت: همسر شاه - فرح دیبا - که در قاهره اقامت دارد و میهمان انور سادات است، همراه بچه‌هایش هر شب جمعه به "مسجدالرفاعی" می‌آید که جنازه شاه در آنجا دفن شده است و مأمورین پلیس و امنیتی در مقابل درب ورودی مسجد، مراقب بوده و مسئول حفاظت هستند و امکان اینکه ما وارد مسجد بشویم و یا او را در موقع خروج ترور کنیم، وجود ندارد، ولی فقط به راحتی می‌توانیم سوار بر موتور، به هنگام عبور از جلو مسجد - که درب آن همیشه باز است - نارنجکی بسوی او پرتاب کنیم که در این عملیات علاوه بر خود او، بچه‌ها هم کشته خواهند شد!... البته من آشنایی قبلی با ابوالعلا بعنوان یک جوان مصری اسلام‌گرا نداشتم ولی طرح او را جدی تلقی کردم و البته او علت اصلی اقدام جماعت اسلامی را گزارش نکرد، بلکه از من "مجوز شرعی" و بقول او "حکم یا فتوای" می‌خواست... من به آن برادر گفتم که بنده "مفتی" نیستم و در مسائلی از این قبیل نه دخالت می‌کنم و نه نظر می‌دهم... گفت: از شیخ خلیفالی بپرسید و جواب او را به ما بگوئید! (آن ایام خلیفالی همه جا به عنوان حاکم شرع دادگاه انقلاب معروف شده بود!)... به برادر مصری گفتم که من این مسئله را از امثال آقای خلیفالی نمی‌پرسم و با بعضی از کارهای او هم موافق نیستم ولی اگر سفری به ایران بروم، از شخص امام خمینی مسئله شما را به عنوان یک مسئله شرعی و فقهی، می‌پرسم و پاسخ ایشان را به شما اطلاع می‌دهم. او تلفن تماس مرا در ایتالیا گرفت و گفت پس از مدتی تلفنی پاسخ را از شما می‌پرسم؟ پس از پایان کنفرانس اندیشه اسلامی الجزائر، ما به ایتالیا برگشتیم، دوستان به ایران مراجعت کردند، و من یکی دو هفته دیگر، برای استفاده از مرخصی سالانه، به ایران آمدم و یکی دو هفته بعد نیز برای ارائه گزارش امور در واتیکان به خدمت امام رفتم و پس از ارائه گزارش، این مسئله را هم به عنوان سؤال شرعی یک برادر مسلمان مصری، مطرح کردم. امام یکبار دیگر سؤال را از من پرسیدند؟ پس از توضیح بیشتر، پاسخ ایشان بطور دقیق این بود: اگر جنابعالی و یا آن آقایان زن شاه را مفسده می‌دانید، تقصیر بچه‌ها چیست؟ حتماً نه‌ایشان کنید و بگوئید که به این کار دست نزنند!...

پس از مراجعت به ایتالیا، روزی ابوالعلا با من تماس گرفت و احوالپرسی کرد و به تناسب و در وسط گفتگو پاسخ امام را که قرار بود با یک جمله "بچیز" یا "لایبچوز" به ایشان منتقل کنم، بیان کردم و درضمن بیان امام را با عنوان کلی که اگر کسی گناهی مرتکب شده، تقصیر همراهان او چیست؟ "لایبچوز" مطلب را به او ابلاغ کردم.

... موضوع منتفی شده بود که یک ماه بعد روزنامه‌های مصری خبر کشته شدن ابوالعلا را در یکی از خیابان‌های قاهره منتشر کردند که توسط دو فرد مسلح ترور شده و کیف دستی او هم به سرقت رفته است! ولی بعد روزنامه‌های مصری نوشتند که در کیف او، علاوه بر اسناد، مبلغ ۱۲ هزار دلار نقد



▲ از راست: مرحوم آیت الله حاج سید مهدی دروازه‌ای تبریزی (از علمای مبارز تبریز)، امام خمینی (ره)، استاد خسروشاهی - سال ۱۳۴۲ در منزل استاد خسروشاهی

هم موجود بوده است و این کشف خبر، نشان داد که ترور او توسط مأمورین امنیتی مصر اجرا شده است و گرنه اگر دزدانی به خاطر کیف پول، او را ترور کرده بودند، خبر کشف پول نقد در کیف، در جراید منتشر نمی‌گردید!... بدین ترتیب سوره اصلی از بین رفت و دوستان مصری هم این طرح را عملی نکردند. یکی دو ماه بعد، گروهی از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی برای شرکت در کنفرانس بین‌المجالس به ایتالیا آمده بودند تا در آن کنفرانس شرکت کنند و طبق معمول مسافران رسمی، اعضای مجلس هم یکی دو روز میهمان ما بودند، یک روز بر سر میز نهار موضوع فعالیت‌های اعضای خاندان پهلوی و بنی صدر در خارج مطرح شد و بعضی‌ها به شدت به آن‌ها حمله می‌کردند و افسوس می‌خوردند که آنها فرار کردند و اعدام نشدند!

من به تناسب موضوع بحث، نظریه امام را در هر دو مورد نقل کردم که مورد پسند بعضی از دوستان انقلابی اوایل انقلاب! قرار نگرفت و حتی یکی از آنها به شدت اعتراض کرد که این مطلب را نباید از قول امام نقل کنم!...

به آن برادر محترم گفتم که من این مطلب را از شخص امام و بدون واسطه شنیده‌ام و نقل آن در غرب، نشان خواهد داد که نظریه امام خمینی در این قبیل موارد چیست؟ و اتهامات مربوط به مسئله دخالت ایران در ترورها، بی اثر خواهد شد. و اگر احتمال نقل حدیث غیر واقعی! می‌دهید، جناب آقای دعایی که همراه شما به ایران برمی‌گردد، می‌تواند از شخص امام مسئله را بپرسد تا شک و تردید برادران برطرف شود... و نتیجه را به من اطلاع دهند.

یکی از آشنایان قدیمی و روحانی عضو هیأت هم گفت: ما در صحت نقل شما شک نمی‌کنیم ولی نقل آن را در شرایط انقلابی کنونی کشور و خیانت این افراد هم صحیح و صلاح نمی‌دانیم!...

من اضافه کردم که: همه می‌دانیم امام اهل پنهان‌کاری و مصلحت‌گرایی نیست، و اگر مطلبی را فرموده‌اند لابد با نقل آن هم مخالفتی نخواهند داشت... جلسه ما ختم شد و دوستان برای شرکت در کنفرانس بین‌المجالس، رفتند ولی پس از مراجعت به ایران هم متأسفانه خبری از پرسش موضوع از امام و پاسخ ایشان، به اینجانب ابلاغ نشد!...

... چند ماه گذشت و من باز برای انجام کاری به ایران آمدم و به دیدار امام هم شتافتم. اتفاقاً در آن روز، ساعت ملاقات حقیر با ساعت دیدار آیت‌الله حاج سید موسی شبیری زنجانی (حفظه‌الله) - از مراجع عظام کنونی - یکی شده بود و ایشان هم همراه فرزند فاضلشان برای ملاقات با امام به جماران آمده بودند، لذا در وقت معین شده همراه ایشان به اطاق ملاقات امام رفتم. پس از سخنانی که آیت‌الله شبیری بیان داشتند و معرفی فرزندشان که ظاهراً تازه "معمم" شده بود؟ نوبت به اینجانب رسید که گزارش خلاصه‌ای از مسائل حوزه مأموریت خود و کارهای فرهنگی را که انجام می‌دهیم، ارائه



▲ از چپ: مرحوم مهندس عبدالباقی طباطبایی و حضرات آقایان مصباح یزدی، مکارم شیرازی، موسوی تبریزی، اشراقی، خسروشاهی و غروی در مراسم سالگرد علامه طباطبایی

او وجه مشترک داشتند یا از نظر فکری و شغلی و یا فامیلی. در سال های ۶۵ به بعد بیشتر در رابطه با مسائل علمی پدر و کتاب های پدرشان وقت می گذاشت و یا با افرادی که با این موضوع سروکار داشتند بود.

او مردی بسیار مؤدب و تربیت شده بود. در گفتار و کلمات دقت نظر خاصی داشت، شمرده سخن می گفت و هیچگاه سخن بیهوده و یا کلامی غلط نمی گفت.

او فرزندی مطیع برای پدر بود چنانکه پدرشان علاقه و احترام خاصی نسبت به او داشتند. و همچنین ابوالزوجه ایشان آیت الله حائری اخلاق او را می ستود و بعضی از صفات خوب او را منحصر به فرد می دانست.

ازدواج ایشان به صورت سنتی و از طریق خانواده صورت گرفت.

مورد دیگر فنی بودن واقعی ایشان بود. مهندس های های بسیاری را می شناسیم، اما از بین آنها کمتر کسی تا این حد توانمندی های بازاری دارد. او در حرفه اش به دنبال یک مسیر مشخص تعیین شده از سوی دیگران نبود. علاقمندی اش به رشته برق در دوران تحصیلات مدرسه ای او نیز وجود داشته، به طوری که وقتی دانش آموز بوده، دستگاه جوش به صورت انبوه می سازد. طبیعی است که در منطقه، دستگاه جوش طباطبایی معروف می شود. این ادعا که این دستگاه هیچ گاه نمی سوزد، هنوز با گذشت قریب به چهل سال نقض نشده. حتی یک کارگاه آهنگری تماماً در آتش می سوزد، اما دستگاه جوش موجود در آن، صرفاً با تعویض بدنه ای که در اثر حرارت کج شده و بخشی از آن ذوب شده است قابل استفاده می ماند.

در کارگاه او در شهرستان قم برای اولین بار یخچال های خانگی و صنعتی تولید می شود و بسیاری از ماشین آلات کارگاه از جمله دستگاه های پرس با توان های متعدد، به شکل های حرارتی و معمول، دستگاه نورد فلزات، دستگاه خم لوله ها و میله های فلزی، کوره های ذوب و ابزارهای دیگری که موردنیاز است را خود می سازد. به یاد می آورم که درباره تولیدات کارگاهش گفت: "یادم نمی آید دستگاهی خواسته باشند که از تولید آن عاجز مانده باشیم". در سال های اخیر کسی دستگاه تولید پوشال کولر می خواهد و مهندس که فقط یک بار آن هم به صورت یک بازدید معمول و سطحی از یک کارخانه کولر سازی بازدید کرده است، نیاز او را پاسخ می هد.

سرانجام آن روح بلند و ملکوتی و آن یادگار علامه بزرگ، پس از یک دوره بیماری در سحرگاه چهارشنبه، ۸۹/۹/۳ بر اثر نارسایی قلبی در هفتاد و هفت سالگی به ملکوت اعلی پر کشید و به اجداد طاهرنش پیوست و دوستان، آشنایان و ارادتمندان را به سوک نشاناد.

خاطرات آن یار سفر کرده و عزیز از دست رفته که عمری را در نهایت اخلاص و صداقت و بی ادعایی زیست، هرگز از اذهان نخواهد رفت و فراموش نخواهد شد. عاش سعیدا و مات سعیدا

مرغ باغ ملکوت، نیم از عالم خاک
چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم

ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست
به هوای سر کویش پر و بالی بزنم

و در پایان:

صبر بسیار بایاد پدر پیر فلک را

تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید

محمد حسین تریان

به مناسبت اولین سالگرد درگذشت مهندس عبدالباقی طباطبایی فرزند علامه طباطبایی

به شکل باد صبا در جهان مسافر باش...

در معرفی افکار و آثار پدر بزرگوارشان در صدا و سیما داشت و به کرات مصاحبه ها و سخنانشان از رسانه ملی پخش شده است. رفتار آقا منشانه، سخنان شیرین و تواضع و متانت کم نظیر وی که از سر صدق بود، هر انسانی را مجذوب می کرد.

ایشان دارای یک دختر و سه پسرند؛ پسران به ترتیب: رضا، محمد و محمد حسین اند.

رضا: مهندس مکانیک و فوق لیسانس مکانیک جامدات. محمد: فوق لیسانس مهندسی مکانیک سیالات. محمد حسین: فوق لیسانس مهندسی صنایع. صبیبه ایشان: فارغ التحصیل رشته فیزیک و زبان انگلیسی و دانشجوی فوق لیسانس فیزیک و در حال حاضر دبیر فیزیک.

آقای عبدالباقی طباطبائی اولین فرزند خانواده بوده و سه فرزند قبلی بنا به عللی فوت کرده اند. از خانواده مرحوم نقل شده که مرحوم آیت الله قاضی (استاد و عموزاده علامه طباطبائی) که اهل سیر و سلوک و مکاشفه بوده در هنگام بارداری مادر آقای عبدالباقی وعده وجود فرزند و ذکور بودن آن را به مادر و پدر داده و نام او را هم مرحوم قاضی عبدالباقی گذاشت.

مهندس طباطبائی در سال ۱۳۱۷ همراه علامه از نجف به ایران مهاجرت نموده و در شهر تبریز که اقامتگاه و وطن اصلی آنها بوده ساکن شده. در سن ۱۲ سالگی برای بار دوم همراه پدر و مادر و برادر و دو خواهر به قم مهاجرت نموده و تا هنگام فوت در قم زندگی کرده اند. گفته شده که در هنگام طفولیت پسری زیبا، باهوش و سالم بوده است. در هنگام نوجوانی به مسائل فنی و تکنیکی علاقمند بوده و درس ریاضی او بسیار عالی بوده است.

آقای عبدالباقی در دوره جوانی و اوائل میانسالی در مسائل فنی قوی و سرآمد بسیاری از مهندسين هم دوره های خود در برق و مکانیک بوده است. وی هوشی سرشار و ذهن خلاق در صنعت داشته است. ایشان عمده تمرکزش را در صنعت صرف کرده و به مسائل مالی و اقتصادی کم توجه کرده و در این راه کمتر موفق شده.

در دوره میانسالی و بعد بسیار ساکت و کم حرف بودند و کمتر اظهار نظر می کردند و تا آخرین روزهای زندگیش هر روز به محل کار خود می رفتند و در اواخر عمر از ناراحتی قلبی رنج می بردند و همین ناراحتی باعث مرگ ایشان شد. در آخرین روزهای زندگی حدود ۱۰ روز در بیمارستان و منزل بستری بودند.

وی هنگام مرگ مثل همیشه آرام و تسلیم تقدیر و مسیر زندگیش بود. ایشان روحیه ای قوی و به لحاظ جسمی سالم و نیرومند و از نظر اخلاقی والا و کم نظیر و دربرخی صفات بی نظیر بود. از نقطه نظر اجتماعی رفتارش طوری بود که مورد توجه و محبت و احترام قرار می گرفت.

آقای عبدالباقی بعد از تحصیلات دوره دبیرستان مدتی دروس حوزوی را نزد آیت الله سبحانی تلمذ کردند ولی بعداً نبوغ ذاتی خود را در کارهای فنی و عملی بکار بردند.

آقای عبدالباقی بسیار علم دوست بود و همسر و فرزندان را به آموختن علم تشویق و ترغیب می کرد و خودش هم در فرصت هایی اهل مطالعه بود بخصوص زبان انگلیسی، به زبان آلمانی و ایتالیایی هم آشنایی داشت.

سخنرانی هایی که در سمینارهای مختلف، در دانشگاه های تهران، تبریز و شهرهای دیگر ایران و در خارج از کشور از جمله بوسنی هرزه گوین، مربوط به مرحوم علامه بزرگوار داشتند، مورد توجه بود و مقالاتی هم در این خصوص نوشته اند. او اندیشه ای مدرن و دور از تحجر داشت، بسیار آزاد فکر می کرد. محدوده شرعی را کاملاً رعایت می کرد ولی نه بیشتر. از عرف های غلط و عامیانه بیزار بود.

بیشتر با افرادی سروکار داشت که از نقطه نظری با

از شمار دو چشم یک تن کم

وز شمار خرد هزاران بیش
مهندس سیّد عبدالباقی طباطبایی - فرزند ارشد فیلسوف و مفسر کبیر قرآن، علامه سیّد محمد حسین طباطبایی(ره)- در یکم مرداد هزار و سیصد و دوازده هجری شمسی در نجف اشرف چشم به جهان گشود. اجداد ایشان خاندانی ریشه دار، کهن، علمی و مذهبی بودند و والده مکرمه شان نیز از سلسله سادات جلیل القدر طباطبایی های آذربایجان اند. عموی آن مرحوم نیز آیت الله حاج سید حسن الهی طباطبایی، عالم و عارف بنام عصر خویش بودند که شرح احوال معظم له در بسیاری از کتب موجود است و مدفون در قبرستان ابوحسن قم اند.

مادر ایشان قمرالسادات طباطبائی قاضی صبیبه مرحوم حاج میرزا مهدی آقا طباطبائی و عموزاده عارف نامی حاج میرزا علی آقا قاضی بودند. ناگفته نماند که این بانوی محترمه در وفای به شوهر از نوادر بوده نقد عمر را در طبق اخلاص به مرحوم علامه طباطبایی تقدیم و پیوسته در تمام شرایط مختلف زندگی پرنوسان مرحوم علامه شریک غم و شادی بوده، بطور خستگی ناپذیر مدت ۴۲ سال مدیر کامل گردش زندگی و مربی فرزندان آن مرحوم و دائماً در فکر ایجاد رفاه و آرامش زندگی جهت ادامه درس و بحث و تحقیق و گردآوری علوم برای شوهرش بوده به نحوی که در فوت ایشان مرحوم علامه در جمع شاگردان فرمودند:

"من پیشرفت های خود مدیون مرحوم خانم هستم"
مهندس طباطبایی تحصیلات مقدماتی را در ایران و تحصیلات عالی را قبل از انقلاب در رشته های مهندسی برق - قدرت در انگلستان و نساجی در ایتالیا با موفقیت به پایان رساندند. وی در عین مهارت و تیزبینی در امور فنی و مهندسی و ابداعات و نوآوری های صنعتی، طبیعی لطیف داشت و اشعاری می سرود و این خصیصه را از والد بزرگوارشان به ارث برده بود. محض نمونه اشعاری از ایشان که در اواخر عمر سروده اند و با لحنی دلنشین زمزمه می کردند، ذکر می شود.

بتا، امشب مرا دیوانه کردی

به می، جانم زن تن بیگانه کردی

زدی آتش به جانم با دو جامی

بدان، شوق مرا هنگامه کردی

بیا ساقی، مرا دریاب امشب

که امشب تو مرا دیوانه کردی

اگر من تا سحرگه با تو باشم

به پایان شمم پیدا نکردی

ایشان با تأسیس مؤسسه فرهنگی بنیاد علمی - فکری علامه طباطبایی آثار و تألیفات ارزشمند و افکار بلند و عمیق معظم له را نشر و گسترش داد. این بنیاد نزد عاشقان و فراگیران علوم آل محمد، حتی خارج از کشور شناخته شده و او را ق موجود حکایت از این امر دارد.

مهندس طباطبایی به سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در سی سالگی با صبیبه غفیفه حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری یزدی(ره)، نواده مرحوم حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم ازدواج نمود که حاصل آن یک دختر و سه پسر است. همسر ایشان از سوی دیگر نواده مرحوم، حضرت آیت الله العظمی حاج سیّد محمد حجّت کوه کمرب، مرجع عصر خویش و مؤسس مدرسه مبارکه حجّیه در قم اند. این خانواده، اهل علم و همگی دارای تحصیلات عالیه و دانشگاهی در دانشگاه های معتبرند.

از ویژگی های بارز این خلف صدق پدر که بسیاری از صفات اخلاقی و منش های رفتاری را از والد بزرگوارش به ارث برده بود، اخلاص، صداقت، خوش خلقی، سعه صدر، بی آلایشی، بی اعتنائی به مال و مثال دنیا، زهد و ورع، ساده زیستی، خنده رویی، صرفه جویی، بیان نکات اخلاقی و... بود. ایشان خلقتاً نیز بسیار به مرحوم علامه طباطبایی شباهت داشتند، به طوری که هر کس در نگاه اول متوجه این موضوع می گشت، همچنین آن مرحوم نقش عمده ای

نمودم و سپس یک سئوال مطرح کردم و پرسیدم:

اگر خاطر شریف باشد در ملاقات چند ماه قبل درباره اقدام بعضی ها، در مورد همسر شاه، سئوال شرعی دوستان مصری را مطرح کردم که فرمودید: گناه بچه ها چیست؟ من تا این جمله را گفتم، امام حرف مرا قطع کرد و فرمود: "من آن زن را هم اجازه ندادم" و من بلافاصله مطلب را تکمیل کردم و گفتم بلی حضرت تعالی فرمودید: اگر از نظر شما و آن آقایان، آن زن مفسده باشد؛ تقصیر بچه ها چیست؟ امام فرمودند: بلی این درست است...

گفتم سئوال بنده اکنون این است که آیا من حق دارم این مطلب را از قول حضرت تعالی در جلسه ای بیان کنم، و یا در جایی بنویسم، یا موضوع خصوصی است و فقط جهت اطلاع دوستان مربوطه بود؟

امام فرمودند: هم می توانید نقل کنید و هم می توانید بنویسید. و این بود که من پس از مراجعت به ایتالیا، در مصاحبه ای این مطلب را از قول امام نقل کردم و منتشر گردید و آقای فهمی هویدی نویسنده معروف مصری هم آن را در کتاب خود: "آیران من الداخل" - ایران از درون - از قول من نقل کرد که موجب رفع بعضی از سوء تفاهات گردید ولی چون آن ایام مصادف با نشر اتهام رهبری تروریسم در اروپا توسط بنده بود و روزنامه "ساندی تایمز" گزارش مشرووحی به قلم آقای امیر طاهری در این زمینه منتشر ساخته بو! و جراید وابسته به امپریالیسم خبری بالاتفاق کشف کرده بودند که گویا رهبری گامی کاز" های اسلامی را در اروپا بنده به عهده دارم! شاهیان و یاران آقای بنی صدر و شاید خود وی هم بنده را به دلیل اینکه یک مسئله شرعی از امام پرسیده ام، به رهبری یا هواداری از تروریسم متهم کردند، در حالیکه من در واقع با اقدام خود، جلو "تروریسم" را گرفته بودم.

در اینجا ضروری است اشاره کنم که پس از شکایت من از روزنامه معروف انگلیسی "ساندی تایمز" و کشیده شدن مدیر آن: "مردوک" صهیونیست به "دادگاه عالی" لندن روزنامه نامبرده در دادگاه محکوم شد و او مجبور گشت که علاوه بر پرداخت هزینه وکیل و دادگاه و ۱۵ هزار پوند بعنوان خسارتی که بر من وارد شده بود! در همان صفحه از روزنامه خود، عذرخواهی رسمی بعمل آورد... و از همه مهمتر آنکه آقای امیر طاهری، نویسنده اصلی مقاله و جاعل و ناشر اتهام را از روزنامه "ساندی تایمز" اخراج کردند و او از آن تاریخ به بعد - و تاکنون - دیگر نتوانسته است که در آن روزنامه معروف و دومیلیون تیراژی در روزهای یکشنبه، مقاله یا گزارشی بنویسد و منتشر سازد.

در اینجا لازم می دانم که از زحمات کارداران وقت جمهوری اسلامی ایران در لندن، جناب آقای ساداتیان و سپس جناب آقای آخوندزاده، تشکر و قدردانی کنم که در تمام مراحل چند ماهه دادگاه و انتخاب وکیل و پرداخت هزینه ها - که البته همه آن ها پس از محکوم شدن مردوک توسط وکیل از روزنامه بازپس گرفته شد - در کمال صداقت و مسئولیت پذیری ما را یاری کردند و بی تردید پاداش آنان عندالله محفوظ خواهد بود.

... این بود خلاصه ای از دو خاطره درباره روش و منش امام خمینی(ره) در برخورد با معاندین و مخالفین، که امیدواریم برای اهل خرد و مسئولان امور عدل و داد کشور سرمشقی باشد!

بزرگداشت علامه عزیزالله عطاردی در کتابخانه ملی



آن‌ها را در اختیار پژوهشگران قرار ندهند.

وی دلیل اصلی پیشرفت علم در غرب را همگانی کردن آن دانست و افزود: غربی‌ها تازه‌ترین اطلاعات خود را در اختیار کاربران قرار می‌دهد، بدون اینکه میان افراد تفاوتی را قائل باشد. این نگاه درستی نیست که ما عده‌ای را

نخبه بدانیم و دیگران را غیرنخبه فرض کنیم.

جغرفیان روند نخبه‌پروری در کشور را نادرست خواند و عنوان کرد: نخبه در کشور به گرفتن نمره ۲۰ محدود شده است، این درحالی است که ما نیازمند متفکر هستیم. بنا بود که ما تفکر کردن را بیاموزیم و بعد رد روند علم دنیا تغییراتی را ایجاد کنیم که این هدف مسیر نشد و ما در حال حاضر اندر خم یک کوچه ایم.

خستگی‌ناپذیری، اخلاص و توجه به ضرورت‌ها سه ویژگی برجسته عطاردی

حجت‌الاسلام و المسلمین مهدوی‌راد، از پژوهشگران برجسته حوزه علوم اسلامی، در ادامه این مراسم نکوداشت به روایات متعدد از ائمه اطهار (ع) در جهت تکریم عالمان اشاره کرد و اظهار داشت: از نگاه دین و روایات، عالمان چراغ‌های روشن تاریخ انسان‌ها هستند. عالمان امیدافرینان زندگی و ستارگان درخشان در شب‌های دی‌جور هستند. عالمان از بام تا شام و از شام تا بام می‌گویند تا روشنی راه را به دیگران هدیه دهند و حجت‌الاسلام و المسلمین عطاردی این چنین بود.

وی به سه ویژگی برجسته از این دانشمند تاریخ اسلام اشاره کرد و اظهار داشت: خستگی‌ناپذیری، اخلاص و توجه به ضرورت‌ها از ویژگی‌های برجسته علامه عطاردی در طول تاریخ پژوهش خود بود.

مهدوی‌راد به یکی از آسیب‌های موجود اشاره کرد و ادامه داد: یکی از گسست‌هایی که میان

همگانی کردن منابع، ضرورت فراموش شده
رئیس کتابخانه مجلس از دیگر سخنرانان این نکوداشت بود. رسول جعفریان در ابتدای سخنان خود به مسند جامعی که به قلم حجت‌الاسلام و المسلمین به رشته تحریر درآمده است، اشاره کرد و ضمن جامع خواندن این اثر، گفت: عطاردی در این اثر تمامی روایات را جمع‌آوری کرده است، از این رو نیاز مراجعه به دیگر آثار را مرتفع کردند. مسندنویسی را در بحارالانوار هم می‌توان مشاهده کرد، اما عطاردی در این اثر روشمندتر عمل کرده است و امید این می‌رود که دیگران نیز این راه را ادامه داده و تکمیل کنند.

وی به مشارکت سازمان‌های مختلف در جهت برگزاری این مراسم اشاره کرد و یادآور شد: این مشارکت نشان دهنده وحدت نظر مراکز و سازمان‌های مختلف در جهت تجلیل شخصیت‌های برجسته است که البته این اعتقاد مشترک می‌تواند در همسو کردن موسسات نیز موثر باشد.

آقای جعفریان که خود از پژوهشگران برجسته در حوزه تاریخ اسلام است، به ضرورت دیجیتالی کردن آثار و دراختیار گذاشتن منابع به صورت آنلاین اشاره کرد و اظهار داشت: در اجرای این فن، غربی‌ها از ما پیش‌تراند. ما بر سر سفره آمده‌ای نشسته‌ایم و از این رو نباید اجازه دهیم که پژوهشگران ما برای تهیه منابع مورد نظر، با مشکلات متعددی روبرو باشند.

وی جمع‌آوری منابع را نخستین گام مهم در پیشبرد این هدف دانست و تصریح کرد: باید همت بیشتری در جهت جمع‌آوری منابع داشته باشیم. همه ساله نمایشگاه‌های بزرگی در کشورهای منطقه برگزار می‌شود که منابع ارزشمندی در حوزه اسلام‌شناسی، شیعه‌شناسی و ایران‌شناسی عرضه می‌کنند، اما ما یا به دلیل کمبود بودجه و یا به دلیل کم‌آگاهی در این نمایشگاه‌ها شرکت نمی‌کنیم.

رئیس کتابخانه مجلس به محدودیت‌ها اشاره کرد و ادامه داد: سزاوار نیست که برخی از کتابخانه‌ها و یا مراکز به دلیل مشکلات و یا داشتن نگاه سرمایه‌ای به منابع به خصوص نسخ خطی،

مراسم نکوداشت از حجت‌الاسلام و المسلمین عزیزالله عطاردی، از پژوهشگران برجسته تاریخ اسلام، با حضور جمعی از پژوهشگران و مسئولان، ۱۴ آبان، در کتابخانه ملی برگزار شد.

به گزارش (ایکنا)، در ابتدای این مراسم، اسحاق صلاحی، رئیس مرکز اسناد و کتابخانه ملی، به سنت بزرگداشت و تجلیل از شخصیت‌های برجسته علمی اشاره کرد و گفت: رسم دیرینه ما است که در پاسداشت بزرگان و محققانی که تراث فرهنگی را به ما رسانده‌اند، بکوشیم. این فرهنگ ناب مردمی است که فرهنگ ایرانی خود را با تلفیق فرهنگ اسلامی بارور کردند.

وی به قسمتی از زندگی علامه عطاردی اشاره کرد و ادامه داد: حجت‌الاسلام و المسلمین عطاردی در ۵ آذر سال ۱۳۰۷ دیده به جهان گشودند و از ۴ سالگی خواندن را آغاز کردند. از سن ۷ سالگی به تعلیم علوم پرداختند و در سن ۱۸ سالگی قدم در حوزه علمیه گذاشتند.

صلاحی به خاطرات این دانشمند فرزانه در روایت عشق اشاره کرد و افزود: وی تعلیم زبان عربی را از قرآن کریم آغاز کردند و به نظر می‌رسد دلیل برکت عمر باعزت ایشان همین باشد که آموختن را با این کتاب آسمانی آغاز کردند.

رئیس کتابخانه ملی به نقش والدین علامه عطاردی در تربیت وی اشاره کرد و یادآور شد: همیشه والدین در رسیدن فرزندان به مدارج بالا نقش اساسی را ایفا می‌کنند. پدر علامه عطاردی هنگامی که وی به سن ۴ سالگی می‌رسد، ۴ منبع ارزشمند در حوزه اخلاق، تاریخ و ادبیات را برای وی تهیه کرد. قرآن کریم، شاهنامه، ناسخ التواریخ و معراج السعاده نراقی، ۴ کتاب ارزشمندی بود که در اختیار وی قرار گرفت.

وی در پایان سخنان خود، ضمن آرزوی شغای علامه عطاردی، ادامه داد: امروز نه تنها جامعه ما، که جامعه بشریت به وجود دانشمندانی چون عطاردی نیازمند است.

معرفی نخستین کتاب مرجع درباره امام موسی صدر

وی با تأکید بر این که تحقیقات درباره سرنوشت امام موسی صدر همچنان در ایران و لبنان ادامه دارد، یادآور شد: جنبش امل نیز به طور غیر رسمی در این راستا فعالیت می‌کند.

پیش از سخنرانی دکتر مهدی، دکتر صلاحی، رئیس کتابخانه ملی ایران نیز در سخنانی با تجلیل از مقام بزرگانی که در راه مبارزه با استکبار، مهاجرت و مجاهدت می‌کنند، گفت: هیچ قیام و خروشی علیه استکبار جز با حرکت مستقیم روحانیون اتفاق نیافتاده است و این موضوع با بررسی تاریخ کاملاً مشخص می‌شود.

صلاحی با اشاره به دوستی و اخوت میان امام موسی صدر و شهید چمران و همچنین تأکید بر جایگاه مرجعیت او در میان شیعیان لبنان اظهار کرد: امیدواریم با توجه به ریزنی‌های جمهوری اسلامی ایران با شورای انتقالی لیبی، خبرهای خوبی از امام موسی صدر بشنوم و جهان اسلام از برکات وجودی ایشان بهره‌مند شود.

کتاب دو جلدی "سیره و سرگذشت امام موسی صدر" ترجمه کتاب عربی "آلامام موسی الصدر و سیره و مسیره حرکت- امل" تألیف خلیل حمدان؛ عضو هیات رییسه جنبش امل است که ترجمه آن توسط مهدی سرحدی، به تازگی به همت انتشارات مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر در تهران منتشر شده است.

منجی لبنان باشد که بود و اگر ربوده نمی‌شد، نه تنها لبنان، بلکه منطقه امروز شکل دیگری داشت.

وی درباره ویژگی‌های اخلاقی امام موسی صدر اظهار کرد: او در اوج علم و اخلاق بود، نشستن علما در خانه را درست نمی‌دانست و با همه اقشار، به ویژه محرومان رفت و آمد داشت. امام موسی از نظر عرفانی نیز در مقام بسیار بالایی بود و تمام لحظه‌های او وقف خدا و خلق خدا و تمام زندگی او وقف آرمان‌هایش می‌شد.

دکتر مهدی درباره رابطه امام موسی صدر با امام خمینی (ره) نیز گفت: او تنها کسی بود که در طول انقلاب اسلامی ایران با امام خمینی (ره) در تماس بود و امام خمینی (ره) را به لبنان معرفی کرد. او در مقاله‌ای با عنوان "راه‌انیا" که در روزنامه لوموند به چاپ رسید، درباره حقایق انقلاب ایران سخنان مهمی بیان کرد.

مهدی همچنین به بیان ماجرایی ربوده شدن امام موسی صدر در این کتاب اشاره کرد و افزود: در جریان جنگ داخلی لبنان، امام موسی صدر با مسوولان بسیاری از کشورهای همسایه مذاکره کرد تا دست از لشکرکشی به لبنان بردارند که در نهایت، در جریان یکی از این سفرها به لیبی، در سال ۱۹۷۷ ربوده شد. هیچکس نمی‌داند در آن دیدار چه گذشت و شاید اگر قذافی را زنده دستگیر کرده بودند، می‌توانستیم از آن ملاقات و نیز درباره ربوده شدن ایشان به مطالب تازه‌ای دست یابیم.

به عنوان مرجع برای تحقیقات پژوهشگران، استادان و دانشجویان درباره امام موسی صدر در اختیار ما گذاشته شده است. البته جنبش امل نیز پیش از این دایره‌المعارفی تولید کرده بود که تمام اسناد مربوط به زندگی امام موسی صدر و تاریخ شیعه در نیمه دوم قرن بیستم در آن گردآوری شده است و کتاب "سیره و سرگذشت امام موسی صدر" را می‌توان نوشتار فشرده‌ای از همان دایره‌المعارف دانست. این کتاب به روش تاریخ‌نویسی نگاشته نشده و در حقیقت، مجموعه‌ای از اسناد، مدارک و نوشته‌های روزنامه‌ها درباره اوست که نویسندگان تلاش کرده‌اند این اسناد را به نحوی به هم ربط دهند.

کارشناس مسایل لبنان و خاورمیانه درباره نقش امام موسی صدر در تحولات ایجاد شده در لبنان و منطقه اظهار کرد: لبنان در آن زمان جامعه‌ای از هم گسیخته بود و شیعیان آن به حاشیه رانده شده بودند و چون حامی خارجی خاصی هم نداشتند، از وضعیت و جایگاه مناسبی در لبنان برخوردار نبودند. در این شرایط امام موسی صدر وارد جامعه لبنان شد. این استاد دانشگاه اضافه کرد: یکی از مهم‌ترین کارهای او، ایجاد جنبش امل بود که آن را با همکاری شهید چمران و برای مقاومت در برابر اسرائیل و دفاع از مناطق شیعی راه‌اندازی کرد. ایجاد این جنبش، تحول بزرگی در لبنان بود و مخالفانی جدی مانند کمونیست‌ها داشت. امام موسی صدر می‌توانست



به گزارش (ایبنا)، مراسم معرفی نخستین کتاب مرجع درباره امام موسی صدر به همت مرکز تحقیقات ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و با همکاری موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی با حضور دکتر اسحق صلاحی، رئیس کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، دکتر محمدعلی مهدی، استاد مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه و همچنین حورا صدر، فرزند امام موسی صدر و رئیس موسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر برگزار شد. دکتر علی مهدی در این نشست، علاوه بر معرفی کتاب "سیره و سرگذشت امام موسی صدر" درباره شخصیت، زندگی و فعالیت‌های ایشان گفت: تاریخ زندگی و مجاهدت‌های امام موسی صدر و جنبش امل که امام موسی صدر و شهید مصطفی چمران موسسان اصلی آن بودند، در این کتاب روایت شده‌اند. مهدی با اشاره به کتاب "سیره و سرگذشت امام موسی صدر" ادامه داد: برای نخستین بار کتابی



فعالیت خواهند کرد.

گروه‌های سیاسی سندی را به نام "نقشه راه" در تاریخ ۲۴ اکتبر امضا کرده‌اند که این روند انتقالی را مشخص کرده است.

نظر شما درباره قانون اساسی جدید چیست و چه تضمین‌هایی برای آزادی‌های اجتماعی و فردی وجود دارد؟

اینها از وظایف مجلس موسسان است و کسی در تونس نیست که آرزوی بازگشت به نظام ریاستی غلط گذشته را داشته باشد. البته همچنان بحث‌هایی بین طرفداران نظام پارلمانی یا نظام ریاست جمهوری وجود دارد که حزب ما از جریان نخست دفاع می‌کند.

آیا در این باره شما افکاری را مطرح کرده‌اید؟

نه. اما من روز ۲۴ اکتبر (روز بعد از انتخابات) با دست خالی یا ذهن تهی به مجلس موسسان نمی‌آیم، بلکه برنامه‌های سیاسی و حکومتی داریم و به گمان من تشکیل دولت بعد از ۲۶ اکتبر شروع خواهد شد. به‌رحال هرکس تمایل به موفقیت دارد باید از همین الان تصوراتی را آماده کرده باشد. به اعتقاد من از همین الان گفت‌وگوها پیرامون دولت ائتلافی شروع شده است. ما اینها را تعقیب می‌کنیم. به نظر ما کشور احتیاج به یک دولت ائتلافی دارد که تحت رهبری حزب النهضة باشد.

نقطه عطف یا خط تفاهم این دولت به نظر شما چیست؟

اندیشه دموکراسی جامع همه اینهاست. دیگری مقابله با معضل بیکاری. این دو از فکرهای اساسی برای کشور است.

در رابطه با اوضاع منطقه‌ای و بین‌المللی آیا شما احساس نمی‌کنید تجربه تونس در انتقال به دموکراسی و مشارکت اسلام‌گرایان در دولت نگرانی‌هایی را دامن زده است؟ آیا شما فشارهایی را احساس نمی‌کنید؟

گمان نمی‌کنم هیچ دولتی باشد که ابتدا بخواهد به تحولات بزرگ در میادین خارجی بپردازد. اولین دغدغه هر دولتی مقابله با مشکلات داخلی از جمله بیکاری و امنیت و توسعه است. دولت باید بدون تردید توافقات بین‌المللی تونس را محترم بشمارد. شاید برخی تعدیل‌هایی به وجود آید که البته این از اولویت‌ها نیست. اولویت الان ایجاد فضایی برای سرمایه‌گذاری است تا بتواند سرمایه‌های داخلی و بین‌المللی را جذب کند و به همه اطمینان خاطر بدهد.

آیا شما نگران حوادثی مانند الجزایر نیستید (نظیر اتفاقی که در سال ۱۹۹۱ برای جبهه نجات اسلامی افتاد و نتایج انتخابات ملغاً شد و کشور را وارد جنگی داخلی و طولانی مدت کرد)؟

ما احساس می‌کنیم بین مصلحت انقلاب تونس و نیروهای خارجی در شرایط کنونی توافقی وجود دارد.

از جمله در رابطه با الجزایر؟

بله، از جمله الجزایر. توافق نظر این است که

راشد الغنوشی و تشکیل دولت شهروندی در تونس

برنامه شما برای انتخابات چیست؟ این سوال را برای این می‌پرسم که وقتی با مردم صحبت کردم دیدم گفتمان حزب النهضة با دیگران فرق می‌کند و حتی با طرفدارانش هم تفاوت دارد. کسانی هستند که خواستار تشکیل یک دولت اسلامی هستند یا اینکه می‌خواهند در تونس نیز به جای یکشنبه، جمعه روز تعطیل رسمی باشد. چرا؟

نوگرایی در حزب النهضة برنامه‌ای نیست که از بالا تلقین شده باشد. این یک تحول طبیعی در روند این حرکت است. حتی در بیانیه تأسیس این حرکت که در تاریخ ششم ژوئن ۱۹۸۱ منتشر شد دیده می‌شود که خواستار تحقق دموکراسی است. بدون حذف کسی یا گروهی و بدون اعمال هرگونه تبعیضی حتی نسبت به احزاب کمونیستی. واقعیت امر این است که از پایان دهه ۹۰ ما با رهبران گروه‌های مخالف همکاری نزدیکی داشته و داریم. از جمله سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها و دموکرات‌ها. بگذریم که در دوره‌ای به دلیل توجه بن علی به احزاب سکولار در کشور، به‌ویژه در ابتدای دهه ۹۰ این همکاری‌ها تا حدودی متوقف شد. بن علی احزاب سکولار را از به اصطلاح تروریسم اسلامی می‌ترساند. با این حال در دهه ۹۰ این همکاری‌ها از سر گرفته شد و اکنون نیز بین تمام طیف‌ها در تونس نوعی اتفاق نظر وجود دارد که باید برابری جنسیتی و کثرت‌گرایی وجود داشته باشد. به گونه‌ای که هیچ کس را از این قانون مستثنا نکند. همه به تأسیس یک دولت شهروندی معتقد هستند. به اعتقاد من جریان اسلام‌گرایی میانه‌رو به طور کلی در مغرب و الجزایر و حتی مصر به رغم برخی اختلافات جزئی در این مسیر حرکت می‌کند. برای مثال اخوان المسلمین مصر را در نظر بگیرد که طرفدار دولت شهروندی است.

ولی گروهی از رهبران این جنبش همچنان خواستار اجرای شریعت اسلامی هستند.

به گمانم معنای اینکه شریعت منبع قانون اساسی باشد این است که تدوین قوانین را به یک دولت شهروندی واگذار کنی. اخوان المسلمین پس از اینکه طرح خودشان را اعلام کردند و از علمای الازهر خواستند قوانین را بازنگری کنند در نهایت آمدند و دیدیم که به دولت شهروندی گردن نهادند. به این معنا که مردم نمایندگان خود را در پارلمان انتخاب می‌کنند و آنها هستند که دست به اجتهاد زده و قانون‌گذاری خواهند کرد. شریعت به منبعی فکری و فلسفی برای الهام گرفتن نمایندگان و روشنفکران و علما تبدیل می‌شود. اما بدون اینکه نهادی نقش ولایتی بر آنها داشته باشد. اسلام کلیسایی ندارد که بخواهد بر مردم ولایت داشته باشد. در اسلام مسأله اجتهاد است و هیچ کس هم نمی‌تواند آن را در انحصار خودش بگیرد. تفکر اصلی این است که کل این امت بر اساس این دین به خلافت رسیده‌اند و نماینده این دین روی زمین هستند. یک نهاد مشخص در اسلام وجود ندارد که دین را نمایندگی کند. حتی دولت هم چنین نیست و نمی‌تواند سخنگوی دین باشد. هیچ کس حق ندارد به اسم دین سخن بگوید مگر کل امت.

در برنامه انتخاباتی شما هیچ ذکری از این نیست که شریعت اسلامی منبع قانون‌گذاری خواهد بود؟

البته قانونی را که تونسی‌ها بر آن توافق خواهند کرد از یک دولت سکولار سخن نمی‌گویم بلکه از یک دولت اسلامی سخن می‌گوییم! حتی قانون اساسی سابق (سال ۱۹۵۹) بر این نکته تأکید داشت که تونس یک دولت آزاد و مستقل و دارای زبان عربی و دین اسلامی است. هیچ کس

اشاره: در تونس بسیاری بر این باورند که حزب النهضة به رهبری راشد الغنوشی برنده اصلی انتخابات امروز خواهد بود. این حزب در حال حاضر هفته‌نامه‌ای به نام "الفجر" دارد. ساختمانی شش طبقه در یکی از خیابان‌های فرعی پایتخت تونس مقر اصلی این حزب است که پیش از این به شرکت تلفن تعلق داشت. در مدخل این ساختمان تابلویی را می‌بینی که کتاب‌های راشد الغنوشی استاد فلسفه دانشگاه دمشق و یکی از برجسته‌ترین متفکران اسلامی معاصر را معرفی می‌کند. این کتاب‌ها پس از سقوط زین العابدین بن علی برای نخستین بار به صورت رسمی در تونس چاپ شد. در این کتاب‌ها می‌توان دیدگاه‌های اندیشمندی را مطالعه کرد که از بازگشت به خویش شروع می‌شود تا طرح دیدگاه‌های تنگ‌نظرانه نسبت به اسلام و حرکت آرام به سوی یک اسلام اجتماعی و متمدنانه تا انکار کامل گرایش‌های غربی اعم از لیبرال و مارکسیستی‌اش تا انعطاف و پذیرش بخش‌هایی از تمدن غربی تا انتقاد از اخوان المسلمین مصر و مشرق عربی تا نقد سید قطب تا انتقاد از خویش و بسیاری از نکات دیگر که هر کدام در جایی به آن پرداخته شده است. این مصاحبه در دفتر شیخ غنوشی صورت گرفت. مردی ۷۰ ساله که به آرامی سخن می‌گوید. کسی که بار سال‌ها تبعید و تعقیب را بر دوش می‌کشد که آخرین آن ۲۱ سال و در لندن بود. پیرمرد آهسته‌آهسته سخن می‌گوید اما لحن کلامش رفته‌رفته تند می‌شود و آن‌گاه است که باید دنبالش دوید تا به او رسید. موسس و رییس حزب النهضة بدون به کار بردن سلام و صلوات‌های مرسوم مذهبی سخنانش را شروع می‌کند و به پرسش‌های ما پاسخ می‌دهد.

شما در اظهارات خود حبیب بورقبیه رییس جمهور سابق تونس را غرب‌گرا می‌دانید در حالی که در تونس خیلی‌ها هستند که اساساً او را سکولار نمی‌دانند. منظور شما از این خطاب چیست و درباره سکولاریسم چه می‌گویید؟

بورقبیه یک سکولار افراطی بود نه یک سکولار میانه‌رو. زیرا سکولاریسم الزاماً به این معنا نیست که ضد دین باشد، بلکه در بسیاری از مواقع با آن همزیستی دارد. کمابیش در فرهنگ انگلوساکسونی برای مثال وجود دارد. اما زمینه‌های فرانسوی سکولاریسم آن را فرهنگی ضد دینی معرفی می‌کند. یعنی به گونه‌ای که دیگر بی طرف نیست. در این برداشت دولت دیگر در برابر دین بی طرف نیست بلکه با آن جنگ دارد. از این رو برای مثال می‌بینیم که مشکل حجاب و تحریم آن در سنت‌های سکولاریسم غربی به جز فرانسه دیده نمی‌شود. در انگلستان حتی نحوه پوشش اسلامی پلیس‌های مسلمان را جدا کردند. به همین دلیل می‌گویم سکولاریسم بورقبیه افراطی و حتی فاشیستی بود. مکتبی که نه تنها به دموکراسی اعتقادی نداشت بلکه طرفدار تسلط دولت بر کل جامعه بود و قصد داشت بنیان‌های دینی جامعه را متلاشی کرده و از نو بسازد. به جای اینکه دولت نماینده جامعه باشد اراده خودش را تحمیل می‌کرد و این کاملاً با آن چیزی که گفته می‌شود دولت باید در قبال دین بی طرف باشد تناقض دارد.

بنابراین شما معتقدید که دولت باید در برابر دین بی طرف باشد؟

من طرفدار این هستم که دولت از همه ادیان حمایت کند و انعکاس اراده کلی جامعه باشد نه اینکه بر آن ولایت داشته باشد.

سید منذر حکیم:

برای کم کردن اختلافات نباید بر روی مسائل خلاقی تمرکز کنیم

می شود؟

بله کم و بیش مطرح می شود ولی به گونه ای نیست که یک جریان قوی و قابل توجه را نشان دهد. بعضی از فقها و اندیشمندان و متخصصان چنین مسیری را انتخاب کرده اند اما عموم علما و مجتهدان و مکتب های موجود که در حال پرورش متخصصین هستند اینطور نیست که حتماً چنین توجهی وجود داشته باشند. البته در مراکز علمی حوزه علمیه قم الحمدلله شاهد یک تحول در این زمینه هستیم که در مراکز تخصصی، بحث های مقارن و مقایسه ای بسیار چشمگیر است و حرکت به این سمت، شاید در آغاز راهش باشد. و مؤسساتی که در این زمینه مشغول تولید متون و منابع هستند که به مشترکات و اختلافات توجه ویژه داشته باشند قابل تقدیر است. در مجمع تقریب و دارالحدیث چنین گرایشی هست و حتی مؤسسات دیگر که چنین گرایشی را دنبال می کنند.

جناب حکیم؛ ما شاهد این هستیم که در بعضی از مقاطع موضوع اختلافات مذهبی در حداقل میزان خود قرار دارد و در مراحل این اختلافات به حداقل می رسد. چه قانونی بر این حداقل و حداکثر بودن اختلافات تحکم می کند؟

دو عامل می تواند مطرح شود: یک عامل خارجی و یک عامل درونی و داخلی. عامل خارجی وقتی که یک دشمن مشترک می آید و به مقدسات دین ما حمله می کند ما می بینیم که به خاطر احساس وجود یک دشمن مشترک، حداکثر اتحاد و تقارب دیدگاه ها میان علمای اسلام به وجود می آید. گاهی نیز از درون است یعنی به دلیل یک فرهنگ سازی که در مراکز علمی و دینی می شود و افرادی که با این فرهنگ سازی رشد می کنند و به یک سطح علمی قابل قبول می رسند و در جامعه مطرح می شوند یک گرایش درونی به این سمت پیدا می کنند و می بینیم که در بعضی از برهه های تاریخی، مثلاً در زمان علامه شرف الدین توافقی های بسیار خوبی شاهد هستیم که میان الازهر و علمای شیعه چنین وضعیتی به وجود آمد و در حال حاضر نیز ما امکان چنین تقابری را می بینیم.

الان بسیاری از مراکز علمی جهان اسلام با پیروزی انقلاب و موفقیت های جمهوری اسلامی ایران خواهان و خواستار الگو گرفتن از نظام مقدس جمهوری اسلامی هستند چرا که روی بیشترین مشترکات تأکید دارد و اختلافات را در حاشیه و در ضمن این اشتراکات به آن توجه کرده و حقوق مذاهب را نیز رعایت کرده و محترم شمرده و به این ترتیب الگوی خوبی برای یک زندگی اسلامی در پرتو یک نظام اسلامی به وجود آورده که می تواند برای جهان اسلام الگوی بسیار خوبی باشد.

که ما را از این خط قرمز بیرون ببرد. پس داشتن چنین شاقولی بسیار مهم است. تحدید و تعیین این شاقول به دلیل اینکه کمتر روی آن کار شده کمرنگ است و گاهی متأسفانه برخی از مذاهب به گونه ای با هم اختلاف پیدا می کنند که به تناقض و تضاد فاحش می رسند در حالی که همه منتسب به یک دین هستند و نمی شود در یک دین واحد دو نظریه ضد هم داشته باشیم؛ باید یا همپوشانی داشته باشند یا عام و خاص مطلق و یا عموم و خصوص من وجه باشند، اگر بخواهد به تبیین برسد نشان می دهد که یکی از دو نظریه باطل است، یعنی یکی از مذاهب باطل خواهد شد؛ و این یک فاجعه است اگر مذهبی به اینجا برسد که برخی از معتقداتش و برخی از مواضع شرعی و فقهی اش به نام شرع کار کند در حالی که ممکن است شرعی نباشد.

داشتن چنین شاقولی بسیار مهم است تا اینکه این چنین روندی طی شود. یعنی اگر ما نتوانیم مسائل مشترک و اتفاقی را احصاء کنیم و از آنها آمار دقیق داشته باشیم تا از اینها یک چارچوب و یک استاندارد درست کنیم و یک خط قرمز برای اختلافات بکشیم، آن وقت این روند اختلافات ممکن است به یک ناکجا آباد منتهی شود و تفاوت ها بسیار فاحش شود و ما نتوانیم مذاهب مختلف را زیر یک چتر واحد جمع کنیم.

ما حتی در مذهب شیعه هم می بینیم که مجتهدین با هم اختلاف دارند اما این اختلافات آنها را در یک مجموعه قرار داده به دلیل اینکه بیشترین اشتراکات را با هم دارند و اختلافات، بسیار ریز و جنبی و فردی است. به همین خاطر در شیعه اثنی عشری چندین مذهب نمی بینیم بلکه اجتهادات مختلف می بینیم که در یک چارچوب مشخصی قرار دارد.

آیا به طور کلی یک گفتمان منظمی میان حوزه های دینی اهل تسنن و تشیع وجود دارد یا چنین چیزی باید به وجود آید؟

مراکز و مؤسساتی الان سعی می کنند که این گفتمان را به وجود آورند اما این کافی نیست و بسیار کم و محدود است و باید روند آموزش در حوزه های علمیه به این سمت برود تا برای چنین گرایشی و چنین عملکردی در میان فارغ التحصیلان فرهنگ سازی کنیم تا اینکه بتوانیم حداکثر بهره برداری را از امکانات علمی موجود داشته باشیم و بتوانیم حوزه های شیعه و سنی را در یک جو بسیار صمیمانه و علمی در کنار هم ببینیم.

در درس خارج که در حوزه های مختلف ارائه می شود، در کنار نظرات اندیشمندان و مراجع شیعه آیا نظرات اندیشمندان اهل تسنن هم مطرح



اشاره: سید منذر حکیم مدیر گروه فقه خانواده در جامعه المصطفی العالمیه است که به طور مستمر از آغاز تأسیس مجمع جهانی تقریب تا کنون، آثاری در زمینه تقریب در مجلات تقریب ارائه داده است. خبرگزاری تقریب، گفت وگویی با ایشان در سرزمین منا انجام داده است که شرح آن در زیر می آید:

در آغاز گفت وگو، لطفاً در مورد فعالیت های خود توضیح دهید.

یکی از پروژه های مهمی که من دنبال می کنم و برای من در زمینه تقریب مهم است بحث فقه الوفاق است که می تواند پایه بسیاری از مسائل مطرح را پی ریزی کند و راه حل های خوبی را برای محققین در سطح تخصصی و در سطح عموم مردم ارائه دهد و می تواند باعث یک تحول فرهنگی در دیدگاه های متخصصان و عموم مردم در زمینه فهم اسلام شود؛ که متأسفانه در این زمینه کمتر کار شده است.

آیا تأکید شما بر مسئله فقه وفاق به معنای این است که اصولاً روی مسئله فقه اختلافات بیشتر کار شده و کمتر روی نقاط اشتراک کار شده است؟

بله، بیشترین بحث های مقارن که انجام می شود، معمولاً اختلافات را ذکر می کنند، در حالی که ما در این بحث های مقارن باید هم مشترکات و هم اختلافات را ذکر کنیم. اینکه بیشتر به اختلاف پرداخته شده به لحاظ این است که مسائل خلاقی ریشه دار بوده و احتیاج به تنقیح و بررسی داشته و دارد، به همین خاطر بیشتر جلب توجه کرده است. اما اگر ما بخواهیم یک راهکار علمی برای کم کردن اختلافات بدست آوریم نباید تنها بر روی مسائل اختلافی با هم بحث کنیم و سعی کنیم جواب های علمی به اختلافات بدهیم و جوهی را برای تخریب و بیان اسباب اختلاف ذکر کنیم، بلکه باید هدف ما از بحث مسائل اختلافی کم کردن دایره اختلاف و رساندن مذاهب به حداکثر مشترکات باشد تا اینکه به جامعه اسلامی برای رسیدن به الگویی که اسلام برای بشریت مطرح کرده است کمک کند و آن الگو، خدای واحد، دین واحد و یک زندگی بر اساس ارزش های الهی است به گونه ای که بتواند تمام مردم را فرا بگیرد و همه در زیر چتر این دین واحد زندگی کنند. و لازمه اش این است که ما دایره اختلاف را به حداقل و دایره اشتراک را به حداکثر برسانیم.

نکته دیگر اینکه ما برای رفع بسیاری از اختلافات به یک شاقول نیاز داریم. شاقولی که باید اختلافات در آن عرضه شود، همان مسائل اتفاقی و مشترکات است. مسائل مشترک و اتفاقیات یا مجمع علیه بین الفرقین خط قرمزی است که ما نباید از آن تجاوز کنیم. بنابراین اختلافات نباید به گونه ای باشد

تونس صلح و ثبات داشته باشد. ثبات به نفع همگان است. در سایه یک رژیم پلیسی یا نظامی نمی توان ثبات را به وجود آورد. ثبات راهی جز این ندارد که روند تحول دموکراتیک پیموده شود. اگر این روند شکست بخورد و دولت فروپاشد فاجعه خواهد بود. صدها هزار جوان تونس را دیگر باید در آن طرف سواحل مدیترانه (اروپا) پیدا کنی و این بدون تردید غیرمنطقی است. بنابراین به نفع همه است که از روند انتقال دموکراتیک کشور دفاع کنیم.

آیا بین جنبش النهضة و مقامات الجزایری رابطه ای وجود دارد؟

من از الجزایر دیدار و با مقامات مسوول این کشور گفت وگو کردم. آنها هم موافق این هستند که روند دموکراسی در کشور ما با موفقیت سپری شود.

در رابطه با آمریکایی ها این تصور وجود دارد که آنها به اسلام گرایان منطقه از جمله تونس چراغ سبز نشان داده اند و به راه حل هایی میانه رسیده اند که منافع آنها را هم تأمین می کند؟

احتیاجی به چراغ سبز آنها نیست. در دیدارهایی که با اروپایی ها و آمریکایی ها داشته ایم همه به این نتیجه رسیده ایم که موفقیت روند دموکراتیک به نفع همه خواهد بود. زیرا جایگزین آن فاجعه بار است. فاجعه بار!

با آمریکایی ها چه گفت وگو هایی داشته اید؟

بعد از پیروزی انقلاب، آمریکایی ها پیام هایی دادند و تماس هایی برقرار شد. همه منتظر نتیجه روند دموکراتیک در کشور تونس هستند.

آیا در مورد انتخابات تضمین هایی دریافت کرده اید؟

همه این را گفته اند. کسی قصد ندارد نتایج انتخابات را به نفع هرکسی بود وتو کند. همه البته ترجیح می دهند ائتلافی ملی تشکیل شود که دولت آینده را معرفی کند و اسلام گرایان نیز در این ائتلاف خواهند بود.

بعضی می گویند قانون دوران بورقیه تعدد زوجات را ممنوع می کرد و به زن حق طلاق می داد که این برخلاف شریعت است. برخی اما این را دستاوردی برای حقوق زنان می دانند. آیا شما سعی خواهید کرد این قانون را تغییر دهید؟

ما به همان چیزی که در برنامه مان هست پایبندیم و چیزی بیشتر یا کمتر نمی خواهیم.

این میان ابهامی وجود ندارد؟ برنامه یعنی اینکه جنبش ما قانون را تغییر نخواهد داد بلکه آن را حفظ خواهد کرد. جنبش ما از سال ۱۹۸۸ اعلام کرده بود که قوانین خانواده در تونس در چارچوب اجتهاد اسلامی است.

اما شما عضو دفتر ارشاد جهانی اخوان المسلمین هستید.

من فقط رییس جنبش النهضة در تونس هستم و نه هیچ چیز دیگری. البته من معاون دبیرکل اتحادیه علمای مسلمان نیز هستم.

می گویند شما چهار زن دارید و این مخالف قوانین تونس است.

این اطلاعات درست نبوده و نیست و نخواهد بود (با خنده).

منبع: الاهرام
ترجمه محمد علی عسگری
شرق

با حکم آیت الله تسخیری:

دکتر مظفری قائم مقام معاون فرهنگی مجمع تقریب شد

جهانی تقریب مذاهب اسلامی است.

محمدحسن مظفری، پیش از این رئیس گروه مطالعات اسلامی مرکز مطالعات فرهنگی بین الملل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، معاون فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، معاون فرهنگی اروپا و آمریکا در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بوده و مدتی نیز رایزن و نماینده فرهنگی ایران در کشورهای سریلانکا، هندوستان و پاکستان بوده است.



فرهنگی در عرصه های داخلی و بین المللی آن جناب، جنابعالی را به عنوان قائم مقام معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی منصوب می نمایم. امید است با اتکال به خداوند منان و با همکاری معاونین و مدیران محترم در تحقق اهداف مقدس نظام جمهوری اسلامی ایران و منویات مقام معظم رهبری دام ظلّه العالی موفق و مؤید باشید.

گفتمنی است، هم اکنون "حجت الاسلام والمسلمین علی اصغر اوحدی" معاون فرهنگی مجمع

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسن مظفری، به سمت قائم مقام معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی منصوب شد. این انتصاب، با حکم آیت الله محمدعلی تسخیری دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، صورت گرفته است.

متن حکم آیت الله تسخیری به شرح زیر است: "حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محمدحسن مظفری، دام عزه با سلام نظر به تجربیات و سوابق درخشان علمی و

حجت الاسلام والمسلمین نواب در دیدار اصحاب رسانه از دانشگاه ادیان:

نسبت به وهابیت حساسیت شدیدی داریم



گفت که دین قلب تمدن هاست، بنابراین اگر بخواهیم تمدن هند را بشناسیم، بایستی هندوئیسم را بشناسیم. کارمانیز متمرکز بر شناخت ادیان و مذاهب است که در شناخت تمدن ها کاملاً دخیل می باشد.

عضو هیات امنای مجمع جهانی اهل بیت در پاسخ به سئوالی درباره فعالیت های دانشگاه در قبال جریان های انحرافی دینی، جریان های انحرافی را به دو دسته وهابیت و خط جدید فکری القاعده و عرفان های نوپدید و کاذب تقسیم کرده و خاطرنشان کرد: در هر دو زمینه مبارزه مفصلی را آغاز نموده ایم. نسبت به وهابیت حساسیت شدیدی داریم ولی ما کار اجرایی نمی کنیم ما عقیه فکری هستیم و بنابراین در همه رشته های مربوط به وهابیت فعالیت کرده و اساتید خود را جهت مقابله با انحرافات وهابیت و عرفان های نوظهور به جاهای مختلف اعزام می کنیم. از سال آینده نیز رشته ای درباره عرفان های نوظهور در دانشگاه آغاز به کار خواهد کرد.

حجت الاسلام نواب در آخرین فراز صحبت های خود در پاسخ به سئوالی درباره تعامل دانشگاه ادیان و حوزه گفت: تعامل دانشگاه ادیان و حوزه بسیار نزدیک است، چرا که نود درصد دانشجویان ما طلبه هستند و با حوزه ارتباط تنگاتنگی دارند و ۹۵ درصد اساتید و هیات علمی ما از طلاب حوزه های علمیه هستند که در دانشگاه نیز تحصیل نموده اند. وی به تعامل حسینی بوشهر و مقتدایی مدیران سابق و کنونی حوزه علمیه با دانشگاه و دیدار آنها از این مرکز علمی نیز اشاره کرد.

اظهار داشت: مجمع جهانی تقریب برای گفتگوی بین فرق اسلامی، مجمع جهانی اهل بیت برای گفتگوی بین شیعیان و سازمان فرهنگ و ارتباطات برای گفتگوی بین ادیان فعالیت می کنند. این مراکز یک عقبه علمی می خواهند که بتواند گفتگوها و مبادلات بین دینی و مذهبی را حمایت کند و دانشگاه ادیان و مذاهب در همین راستا تشکیل گردیده است.

حجت الاسلام والمسلمین نواب در ادامه به معرفی دانشکده ها و دفاتر موجود در دانشگاه پرداخته و گفت: دانشگاه از سه دانشکده مذاهب اسلامی، ادیان و شیعه شناسی تشکیل شده و در این دانشگاه دفتر گفتگوی ادیان، دفتر تقریب مذاهب و دفتر ادیان و حقوق بشر فعال می باشند.

وی با اشاره به انتشارات دانشگاه اظهار داشت: انتشارات دانشگاه در این عمر کوتاه ۱۵۰ عنوان کتاب را منتشر نموده که از این میان ۲۵ کتاب حائز عنوانی چون کتاب سال و کتاب برتر در حوزه های مختلف گردیده اند.

نواب در مورد جامعیت موجود در فعالیت های این دانشگاه تصریح کرد: پرفسور الگار و پرفسور تکیان دو تن از اساتید دانشگاه آمریکا در سفری که به ایران داشته و در این دانشگاه سخنرانی نمودند، عنوان داشتند که این دانشگاه به لحاظ جامعیت در دنیای نظیر است.

رئیس دانشگاه ادیان در پاسخ به سئوالی درباره فعالیت های دانشگاه در حوزه گفتگوی تمدن ها به سخنی از دکتر سید حسن نصر اشاره کرده و گفت: دکتر نصر در یک کنفرانسی می

عضو شورای سیاستگزاری خبرگزاری تقریب در ابتدا ضمن خیر مقدم به اصحاب رسانه به مسئله اهمیت رسانه اشاره کرده و اظهار داشت: بایستی در ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه جایگاه رسانه بازشناسی شود. آیا رسانه ها در کشور در جایگاه شایسته و بایسته خود قرار دارند؟ وی بخشی از ضعف موجود در حوزه فرهنگی را ناشی از اهتمام ناکافی خود رسانه ها نسبت به این بخش دانست.

آقای نواب در ادامه با اشاره به موقعیت ویژه شهر قم و حوزه علمیه خاطر نشان کرد: هم اکنون در قم تعداد طلاب مدارس علمیه یک درصد تعداد دانشجویان دانشگاه هاست اما تولیدات فکری و فرهنگی این دو گروه با هم برابر است. وی خواستار توجه و اهتمام بیشتر نسبت به بازشناسی موقعیت فکری و فرهنگی قم گردید.

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب در ادامه سخنان خود به معرفی گزیده این دانشگاه پرداخته و گفت: این دانشگاه، دانشگاهی است که در نوع خود تازه است و بر اساس نیازهای زمانی و در جهت ارتباط بین ادیان و مذاهب فعال گردیده است. وی افزود: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از بخش هایی که فعال گردید، مسئله گفتگوی ادیان و مذاهب بود. البته این بخش ابتدا شکل سازمان یافته ای نداشت اما هم اکنون شکل سازمان یافته ای را پیدا کرده است. هم اکنون در جمهوری اسلامی گفتگوهای بین دینی و مذهبی با همه ادیان شناخته شده جهان از مسیحیت و یهودیت گرفته تا بودایی، هندو، شینتو و ... در جریان می باشد.

عضو مجمع عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با اشاره به رسالت این دانشگاه

اهل سنت بیش از ۲۰۰ کتاب در حوزه مهدویت تألیف کرده اند

همچنین ممکن است نویسنده این کتاب ها حتی مسلمان هم نباشد، اما درباره منجی دین خود بنویسد. همچنین نقد فیلم های آخرالزمانی هالیوودی که با موضوع منجی ساخته شده اند، به خاطر نگارش فیلمنامه شان جزو مکتوبات مهدویت قرار می گیرند.

وی در توضیح شیوه هایی که از طریق آنها می توان موضوع حیات امام زمان (عج) را با اهل سنت یا ادیان دیگر مورد بحث قرار داد، گفت: در مهم ترین کتاب های اهل سنت روایتی از پیامبر (ص) وجود دارند که می فرماید عزت اسلام به صورت لایزال (همیشگی) با این ۱۲ نفر (۱۲ امام) است. اگر - طبق نظر اهل سنت - حضرت مهدی (عج) را جزو این ۱۲ نفر حساب نکنیم، دیگر لایزال معنی ندارد. از سوی دیگر، اگر شخص دیگری نفر دوازدهم باشد، دیگر عزت اسلام به خاطر او نیست، زیرا بعدها می آید. بنابراین، لازمه صحت این روایت، حیات کنونی امام زمان (عج) است.

مدرس جامعه الزهرا در باره ارتباط بین آموزه های مهدویت و بیداری اسلامی اظهار کرد: اگر شبهه اهل سنت در مورد طول عمر امام زمان (عج) را با برهان و بر اساس روایات و آیات به بحث بگذاریم و در کنار آن به ثمرات انتظار بپردازیم، می توان به تاثیر آن در بیداری اسلامی امیدوار بود. به عنوان مثال، باید متذکر شویم که انتظار در باور شیعه، عامل پایداری در مقابل نظام فاسد است که یک جنبه آن مبارزه با حکومت فاسد است. تحت تاثیر این آموزه ها، روشنگری شکل

یک پژوهشگر دینی با اشاره به این که اهل سنت بیش از ۲۰۰ کتاب در حوزه مهدویت تألیف کرده اند، گفت: نکته جالب این است که حتی برخی از مؤلفان این کتاب ها مانند نعیم بن حماد نویسنده "کتاب الفتن" قبل از تولد امام زمان (عج) فوت کرده اند.

حجت الاسلام "سیدهادی صالحی" در تعریف کتاب های حوزه مهدویت اظهار کرد: به طور کلی آثاری که درباره منجی و موعود صحبت می کنند، جزو کتاب های حوزه مهدویت قرار می گیرند که این ویژه اسلام نیست، زیرا در ادیان و فرقه های مختلف، به شیوه های گوناگون اعتقاد به منجی وجود دارد. ممکن است ادیان دیگر اصلاً حضرت مهدی (عج) را نشناسند، اما به هر حال آنها نیز به یک موعود یا منجی، یعنی کسی که در آخرالزمان ظهور می کند و عدالت را می آورد، اعتقاد دارند. صالحی اضافه کرد: البته منظور از کتاب های مهدویت، کتاب هایی اند که کل مطالب آن به این موضوع اختصاص داده شده باشند و کتاب هایی که بخش هایی از آن مربوط به موعود و منجی است، در حوزه کتاب های مهدویت قرار نمی گیرند.

این مدرس حوزه علمیه ادامه داد: بعضی کتاب ها هم در ظاهر شاید هیچ ارتباطی با مهدویت نداشته باشند اما در دفرقه ای باشند که ادعای مهدویت دارد. این کتاب ها نیز در حوزه مهدویت قرار می گیرند. به عنوان مثال، می توان به کتاب های خاتمیت آیت الله سبحانی یا مرحوم آیت الله مظفری اشاره کرد.

رئیس ستاد اقامه نماز سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی:

هر آنچه در مورد قرآن کریم برنامه ریزی

و کار کنیم، کم است

حجت الاسلام والمسلمین شیخ جواد تسخیری در خصوص برگزاری کرسی تلاوت اذانگاهی در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی گفت: این کرسی تلاوت، با همکاری شورای عالی قرآن و به منظور انس بیشتر کارکنان این سازمان و سایر علاقه مندان با قرآن کریم در حال برگزاری است.

به گزارش (تنا)، حجت الاسلام والمسلمین شیخ جواد تسخیری رئیس ستاد اقامه نماز سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در رابطه با اهمیت برقراری کرسی تلاوت قرآن گفت: در مورد قرآن کریم هرچه در مورد آن برنامه ریزی و کار کنیم و مردم را با قرآن آشنا کنیم، باز هم کم است. با توجه به جامعه امروز که یک حجمه فرهنگی علیه مردم و به خصوص جوانان صورت گرفته و به گفته مقام معظم رهبری، ایران در معرض ناتوی فرهنگی قرار دارد، کار در رابطه با قرآن ضروری است.

حجت الاسلام تسخیری پیرامون اهمیت پرداختن به قرآن کریم گفت: از رسول مکرّم اسلام (ص) نقل است که حضرت می فرمایند قرآن سفره الهی است، پس تا می توانید از مهمانی او بهره ببرید. قرآن نور مبین و شفا است، پس آن را فرا گیرید. و حضرت در سخنی دیگر می فرمایند دل ها زنگ می زند و جلا دهنده آن تلاوت قرآن و یاد آخرت است.

وی افزود: از جمله فعالیت هایی که در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به کمک حوزه ارتباطات شورای عالی قرآن صورت داده، محفل قرآنی تحت عنوان کرسی تلاوت اذانگاهی با حضور قاریان بین المللی جمهوری اسلامی ایران هفته ای یک بار و در روزهای دوشنبه در محل حسینیه الزهرا (س) است.

وی در پاسخ به این سوال که مخاطبان این محافل چه کسانی هستند گفت: مخاطبان این محافل مدیران و کارکنان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی هستند. ضمن این که ورود برای عموم آزاد است و همه می توانند از این محافل بهره ببرند.

نماینده ولی فقیه در سیستان و بلوچستان:

غدير روز تبیین نظام سیاسی اسلام است

نماینده ولی فقیه در سیستان و بلوچستان و امام جمعه زاهدان گفت: عید غدیر خم روز تبیین نظام سیاسی اسلام است که پیامبر اعظم (ص) در این روز مبارک علی (ع) را به عنوان جانشین خود معرفی کرد.

آیت الله "عباسعلی سلیمانی" در خطبه های نماز جمعه تشیع زاهدان اظهار داشت: عید غدیر خم، عید امامت و یادآور شیوه مدیریت بشریت است و از جنبه های سیاسی، عرفانی، معنوی و علمی مورد توجه و نیازمند مطالعه و بررسی است.

نماینده مردم سیستان و بلوچستان در مجلس خبرگان رهبری افزود: شان معنوی، عرفانی و علمی اهل بیت (ع) ریشه ای الهی دارد و رابطه بخش وسیعی از جامعه اسلامی با پیامبر اسلام (ص) نیز از طریق اهل بیت (ع) است.

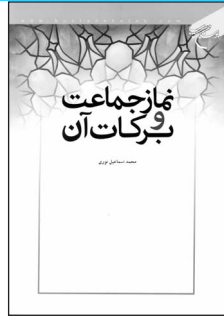
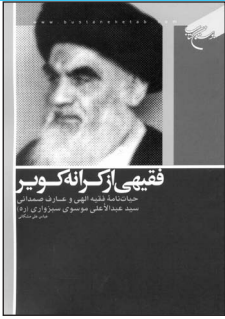
وی ادامه داد: اهل بیت (ع) حلقه وصل امت اسلام با معنویت پیامبر اسلام و دروازه ورود به شهر علم نبی مکرّم (ص) هستند و اعتقاد شیعه و سنی بر این است که روزی جهان توسط اندیشه خاندان پیامبر (ص) مدیریت خواهد شد و حاکمیت دنیا را اهل بیت (ع) عهده دار می شوند. امام جمعه زاهدان افزود: پیامبر اسلام، قرآن کریم و اهل بیت (ع) را در نزدامت خود به امانت گذاشتند و بی تردید روزی کل جهان تحت سیطره خاندان اهل بیت (ع) خواهد بود و تمام مکاتب دینی در برابر اهل بیت (ع) سر تعظیم فرود می آورند.

آیت الله سلیمانی با بیان اینکه عید غدیر سرلوحه تغییر نگرش نسبت به امیرالمومنین علی (ع) و خاندان پیامبر است، گفت: این عید بزرگ از منبع وحی، سرچشمه گرفته و یک فرمان الهی است که طبق آن خداوند در این روز حجتش را بر مردم تمام کرد.

نماینده رهبر معظم انقلاب در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان همچنین با اشاره به سناریوی آمریکا برای تحت سلطه درآوردن ایران اسلامی گفت: آمریکاطی سالهای اخیر تمام تلاش خود را برای ایران هراسی و ایران ستیزی به کار بسته است.

وی افزود: غرب، امروز در حیرت این است که چه موضعی را در برابر کشورمان داشته باشد زیرا ایران همواره در اردوگاه مبارزه با آمریکا و تروریسم بین الملل قرار گرفته و نقشه های سلطه گران را خنثی کرده است.

معرفی کتب بوستان کتاب



اینک بر کرانه کویر می رسیم...
تا به نظاره یکی از رویندگان قهرمان
و صبور آن بنشینیم؛
تا به تماشای یکی از قله های رفیع
فرهنگ و تشیع پردازیم؛
تا به شناخت یکی از نمونه های
والای جهاد فکری - سیاسی و حرکت
های دینی دست یابیم؛
بر کرانه کویر می رسیم تا در برابر
فروغ دامن گستر خورشید فروزانی که
در پهن دشت ها و کرانه های وسیع
کویر سربداران خراسان روی نمایانده
و درخشیدن گرفته، قرار گیریم.
این اثر یاد کردی است از زندگی،
احوال، اقدامات، افکار و آرای فقیه
عارف، مفسر و کلامی عالم شیعی،
مردی از سلاله پیامبر از نسل علی و
فاطمه، از سادات بزرگوار موسوی، از
خاندان متصف به علم و تقوا و مکرم به
شرف سیادت، از مدرسه عالمان بزرگ
اسلام، نجف اشرف و از صف فروغ
یافتگان و صاحب رسالتان، یعنی فقیه
الهی، سید عبدالاعلی موسوی
سبزواری.

مؤلفه ای که بخواهد در فرآیند تربیت
انسان تأثیر گذار باشد ناچار است نیرو و
رمق خود را از علاقه و عشق به هدایت
و سعادت انسان بگیرد.
در نگاره "سرچشمه محبت"
نویسنده ابتدا به اهمیت نعمت الهی
محبت در تربیت مرتبی و نگاه اسلام به
آن می پردازد سپس عواملی را که باعث
جوشیدن این لطف الهی بین مربی و
مرتبی می شود در بین آیات و روایات
تبع می نماید و در ادامه موانع آن را
بررسی می کند. و در پایان به آثار و
پیامدهای فردی و اجتماعی که در سایه
این ارتباط عاطفی برای مرتبی حاصل
می گردد اشاره می نماید.

فقیه از کرانه کویر حیات نامه فقیه الهی و عارف صمدانی سید عبدالاعلی موسوی سبزواری رحمة الله

نویسنده: عباسعلی مشکانی
نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۰
شمارگان: ۱۲۰۰
بها: ۲۶۰۰ تومان

نماز جماعت و برکات آن
نویسنده: محمد اسماعیل نوری
نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۰
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۲۷۰۰ تومان

نماز جماعت یکی از شعائر بزرگ
دین مقدس اسلام است که در قرآن
کریم به آن اشاره شده و روایات فراوان
و در حد تواتر در فضیلت آن و نکوهش
تارک آن از معصومین (ع) وارد شده
است. در این کتاب، پس از اشاره به
آیات مربوط، برخی از روایات فضیلت
نماز جماعت و نکوهش تارک آن و نیز
پاره ای از احکام کلی و شرایط تحقق
نماز جماعت و بعضی از مستحبات و
مکروهات آن بیان شده است.

سرچشمه محبت (بررسی تأثیر محبت از نگاه آیات و روایات)

نویسنده: مصطفی علیخانی
نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۰
شمارگان: ۱۱۰۰
بها: ۲۹۰۰ تومان
محبت بسان قطب و محور آسیاب،
سامانگر دیگر عوامل تربیت است، زیرا

پیام رهبر انقلاب در پی درگذشت حجت الاسلام والمسلمین عمید زنجانی و حجت الاسلام والمسلمین نورانی

به گزارش پایگاه حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای
رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت حجت الاسلام والمسلمین عباسعلی
عمید زنجانی را تسلیت گفتند.

متن پیام به این شرح است:
بسمه تعالی

با تأسف خیر درگذشت عالم فرزانه جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج
شیخ عباسعلی عمید زنجانی رحمة الله علیه را دریافت کردم. ایشان از دانشوران موفق
و پرتلاشی بودند که تألیفات و افاضات با ارزش و عالمانه ای از خود باقی گذاشته و
منشأ خدمات فکری در دانشگاه و در میان نخبگان و عموم مردم بوده اند.

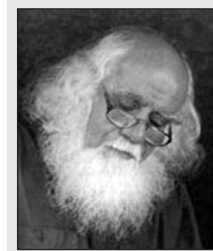
اینجانب درگذشت این روحانی بزرگوار را به همسر محترمه و فرزندان گرامی و دیگر
بازماندگان و بیت مرحوم آیت الله مرعشی نجفی رضوان الله علیه و به شاگردان و ارادتمندان
ایشان تسلیت میگویم و رحمت و مغفرت الهی را برای آن مرحوم مسألت می کنم.

سید علی خامنه ای
حضرت آیت الله خامنه ای در پیامی درگذشت حجت الاسلام والمسلمین
نورانی را تسلیت گفتند.
متن پیام به این شرح است:
بسمه تعالی

درگذشت روحانی فاضل و ذوفنون، و آشنای باصفای دیرین مرحوم
حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ عبدالله نورانی را به بازماندگان مکرم و
دوستان و شاگردان این عالم ستوده و پارسا تسلیت می گویم و از خداوند کریم و
رحیم، مغفرت و رحمت و علو درجه را برای ایشان مسألت می کنم.

سید علی خامنه ای
گفتنی است مرحوم حجت الاسلام والمسلمین عبدالله نورانی از علمای
کتاب شناس و مصحح متون فلسفی و کلامی شیعه بود که هفتم آبان ماه جاری در
سن ۸۲ سالگی به رحمت ایزدی پیوست.

انتشار «چکیده حماسه غدیر» استاد محمدرضا حکیمی



این نوشتار برگزیده ای از کتاب حماسه غدیر استاد
حکیمی است و تحقیقی درباره آثار اعتقادی و اجتماعی
واقع غدیر در طول تاریخ به شمار می آید.

نویسنده در این کتاب خوانندگان را به این سمت
سوق می دهد که غدیر و پذیرش ولایت علی (ع) راهی
است که مسلمانان باید به آن بپیوندند تا اسلام پایدار بماند.
این کتاب با تأکید بر اهمیت واقعه غدیر، شخصیت
بزرگ علامه امینی و کتاب گرانقدر وی الغدیر فی الکتاب

و السنه و الادب را می شناساند. استاد حکیمی در این کتاب با دلایل و احادیث فراوانی
اثبات می کند که مسلمانان بعد از پیامبر اکرم (ص) باید ولی می داشتند، اگر هیچ نصی
بر انتصاب حضرت علی (ع) بر این امر موجود نبود، باز شایسته ترین و لایق ترین فرد،
وجود مقدس حضرت امیر (ع) بود. مؤلف برای تأیید این موضوع ده ها شاهد از
سخنان بزرگان و علمای شیعه و اهل سنت با ذکر دقیق منبع عنوان می کند.
انتشارات دلیل ما نخستین چاپ چکیده کتاب حماسه غدیر را به تازگی در ۱۲۰
صفحه پالتویی و با چکیده نویسی ابوالقاسم آقایی و اعظم کریمی به چاپ رسانده است..

معرفی کتاب «معنی حدیث الغدیر»

تألیف آیت الله سید مرتضی خسروشاهی

کتاب معنی حدیث الغدیر نوشته آیت الله سید مرتضی خسروشاهی با تحقیقی از
استاد سید هادی خسروشاهی توسط موسسه بوستان کتاب به زبان عربی منتشر شده است.
این کتاب با روشی علمی به بررسی شبهات موجود در مسأله غدیر پرداخته است.
غدیر پدیده ای مبارک و حادثه ای خجسته در تاریخ اسلام است که دین خدا را به
کمال رساند. این اثر با محور غدیر به پژوهش در موضوعات پیشینه غدیر، معنای
حدیث غدیر و پرده گشایی از آثار زیارت پرداخته است.

نویسنده کتاب با بررسی حدیث غدیر و کلمات به کار رفته در آن در تفاسیر
علمای اهل سنت به ویژه فخر رازی به شبهات و استدلال های آنان پاسخ گفته و دلایل
منطقی برای اثبات کلام خود آورده است. حدیث روز خیر، اولی الامراهل بیت
هستند، آیه تطهیر، حدیث ثقلین، حدیث علی مع الحق، سخن خلیفه در جریان بیعت
و دعای پیامبر (ص) برای حضرت علی (ع) در روز غدیر از جمله دلایلی است که
نویسنده برای اولویت پیروی از مذهب امامیه آورده است.

در بخشی از این کتاب فتوای شیخ محمود شلتوت رییس دانشگاه الازهر مصر
درباره جواز پیروی از مذهب شیعه امامیه آمده است که در پاره ای از آن این گونه می
خوانیم: مذهب جعفری معروف به مذهب شیعه دوازده امامی، مذهبی است که تعبد
به آن مانند دیگر مذاهب اهل سنت شرعا جایز است. پس سزاوار است که مسلمانان
این مذهب را بشناسند و از تعصب بی جا نسبت به مذاهب معین رهایی یابند. کتاب
معنی حدیث الغدیر در ۱۸۰ صفحه و شمارگان ۱۵۰۰ نسخه منتشر شده است.

معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی



شورای نگهبان همراه با سایر اعضای
شورا به عنوان عضو حقوق دان در
انطباق مصوبات مجلس شورای
اسلامی با قانون اساسی وظیفه شایان
توجهی را به عهده گرفت.

های ارائه شده، بر مبنای دوگانگی
گفتمان سنتی / گفتمان تجدیدی فهم کرد
و دوره بندی جدیدی از تحولات این
تشکل به دست داد.

خاطرات مرحوم سید رضا زواره ای:

دکتر زواره ای حقوق دانی مسلمان
و متعهد بود که کار قضایی خود را از
وکالت دادگستری آغاز نمود و با
پذیرفتن وکالت خیل افراد توجهی از
مبارزان مسلمان ضمن عمل به تکلیف
دینی و عرق ملی خویش نقش اساسی
در کاهش و تخفیف مجازات آنان
داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی
در دادستانی انقلاب نقش فعالی در
روند محاکمه سران، عمال و شکنجه
گران حکومت طاغوت ایفا نمود. به
علاوه دو دوره نامزد ریاست جمهوری
اسلامی ایران شد و همچنین در سنگر
نماینده گی مجلس به خدمت گزاری
مشغول گردید مرحوم زواره ای در

روابط ایران و چین قبل و بعد از انقلاب اسلامی

روابط خارجی ایران و چین قبل از
انقلاب تحت تأثیر نظام دو قطبی بین الملل
بود؛ هر دو کشور بنا به ملاحظات
ایدئولوژیک حاکم بر قطب بندی های
شرق و غرب عمل می کردند، ولی با
پیروزی انقلاب اسلامی محدودیت
ساختار نظام بین الملل بر روابط ایران و
چین برطرف شد و روابط دو کشور در ابعاد
سیاسی، اقتصادی و نظامی گسترش یافت.

دفتر تحکیم وحدت در کشاکش سنت و تجدد

این کتاب، در صدد است تا با
استفاده از دقت های تحلیلی دیرینه
شناختی و گفتمانی فوکویی که در قیاس
با سایر نظریات بیشترین تجرید را از
واقعیت تاریخی غرب دارد، به بررسی
تحولات گفتمانی دفتر تحکیم وحدت
پردازد و نشان می دهد که این تحولات
را می توان در سطحی عمیق تر از تحلیل

بشت

نشریه مرکز بررسیهای اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسروشاهی

سردبیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (مفاتیح) نبش ممتاز

تلفن: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com